

به نام خداوند جان و خرد

اصول لاهه درباره‌ی

خشونت جنسی

نظرات مطرح شده در این کتاب الزاما خواست و مشی آرمان شهر نیست.

ایمیل: openasiafrance@gmail.com

وبسایت: <http://openasia.org>



سیاست‌نامه ۲۲

اصول لاهه درباره‌ی خشونت جنسی

«ابتکار زنان برای عدالت جنسیتی»

به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی حقوق زنان منتشر می‌شود.

برگردان: خلیل رستم‌خانی

طرح جلد و برگ آرایه: روح الامین امینی

زیر نظر: گیسو جهانگیری و خلیل رستم‌خانی

انتشارات آرمان شهر

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۸

شماره گان: ۱۰۰۰

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است!

این کتاب با حمایت مالی آیکن منتشر شده است. مسئولیت انتشار ترجمه‌ی

کتاب به عهده‌ی بنیاد آرمان شهر و مسئولیت محتوای مطالب به عهده‌ی

نویسنده یا نویسنده گان است.

توضیح: «ابتکار زنان برای عدالت جنسیتی» (Women's Initiative for Gender Justice (WIGJ)) «اصول لاهه درباره‌ی خشونت جنسی» را در ماه‌های آخر سال ۲۰۱۹ منتشر کرده است. در متن فارسی از ترجمه‌ی معدودی بخش‌های غیر ضروری و پانویس‌ها صرف‌نظر شده است. «اصول لاهه درباره‌ی خشونت جنسی» به زبان انگلیسی در اینجا:

<https://4genderjustice.org/wp-content/uploads/11/2019/English-Civil-Society-Declaration-on-Sexual-Violence.pdf>

به زبان‌های فرانسوی، اسپانیایی، عربی و روسی در اینجا:

[/https://4genderjustice.org/test1](https://4genderjustice.org/test1)

توجه جدی به خشونت جنسی با درک کلیه‌ی شکل‌های آن آغاز می‌شود. بیش از ۵۰ سازمان جامعه‌ی مدنی طی سال ۲۰۱۹ گرد هم آمدند تا نظریات بازمانده‌گان خشونت جنسی را در رأس بحث‌های مربوط به این خشونت قرار دهند. از بیش از ۵۰۰ بازمانده سؤال شد که به نظر آن‌ها چه چیزی خشونت را "جنسی" می‌کند. اطلاعات به دست آمده از این مشاوره‌ها با اطلاعاتی که جامعه‌ی مدنی، متخصصان حقوقی، و سیاست‌گذاران ارائه کردند تکمیل شد و نتیجه «اصول لاهه^۱ درباره‌ی خشونت جنسی» بود.

«اصول لاهه درباره‌ی خشونت جنسی»^۲ از سه بخش زیر تشکیل می‌شود:

- «اعلامیه‌ی جامعه‌ی مدنی درباره‌ی خشونت جنسی»:^۳ رهنمودی کلی درباره‌ی جنبه‌ای است که خشونت را به‌ویژه برای بازمانده‌گان "جنسی" می‌کند؛

- «رهنمودهای حقوق بین‌المللی کیفری»^۴ ابزاری برای متخصصان حقوق بین‌المللی کیفری است. در این رهنمودها مشخص می‌شود که اعمال خشونت جنسی در اعلامیه‌ی جامعه‌ی مدنی، در چه صورتی جنایت بین‌المللی تلقی می‌شوند؛ به علاوه، عناصر عملی برای تقویت پیگرد این اعمال بر اساس حقوق بین‌المللی کیفری ارائه می‌شود؛

- «اصول اساسی درباره‌ی خشونت جنسی برای ارائه به سیاست‌گذاران»:^۵ ۱۰ اصل اساسی است که از اعلامیه‌ی جامعه‌ی مدنی برگرفته شده تا راهبردهای قانون‌گذاری و رویه‌های حقوقی و قضایی در تدوین و اجرای سیاست‌ها گنجانیده شود.

1. The Hague, دن هاگ.

2. The Hague Principles on Sexual Violence

3. The Civil Society Declaration on Sexual Violence

4. International Criminal Law Guidelines

5. Key Principles for Policy Makers on Sexual Violence

فهرست مطالب

- اعلامیه‌ی جامعه‌ی مدنی درباره‌ی خشونت جنسی.....۹
- بخش اول - اصول کلی.....۹
- بخش دوم - نشانه‌های ویژه درباره‌ی ماهیت جنسی یک عمل.....۱۰
- بخش سوم - مثال‌هایی از اندام‌های جنسی بدن.....۱۱
- بخش چهارم - مثال‌هایی از اعمال خشونت جنسی.....۱۲
- بخش پنجم - عوامل موثر بر تعیین وقوع عملی با ماهیت جنسی بدون رضایت واقعی، داوطلبانه، مشخص و ادامه‌دار.....۱۶
- پیوست ۱: اظهار نظر.....۱۹**
- بخش اول - اصول کلی.....۲۱
- بخش دوم - نشانه‌های ویژه درباره‌ی ماهیت جنسی یک عمل.....۲۵
- بخش سوم - مثال‌هایی از اندام‌های جنسی بدن.....۳۲
- بخش چهارم - مثال‌هایی از اعمال خشونت جنسی.....۳۳
- بخش پنجم - عواملی که در تعیین وقوع عملی با ماهیت جنسی بدون رضایت واقعی، داوطلبانه، مشخص و ادامه‌دار تاثیر می‌گذارند.....۶۷

۷۱..... پیوست دو: روش

۷۵..... رهنمودهای حقوق بین‌المللی کیفری در مورد خشونت جنسی

۷۵..... مقممه

بخش اول - هر شکل دیگری از خشونت جنسی به‌عنوان جنایت

۷۶..... ضد بشریت یا جنایت جنگی

۷۷..... عملی با ماهیت جنسی

۷۷..... اعمالی که دارای ماهیت جنسی تلقی می‌شوند، برگرفته از رویه‌ی قضایی

لیست عناصر دیگر از اعلامیه‌ی جامعه‌ی مدنی درباره‌ی

۷۹..... خشونت جنسی و اسناد دیگر

زور، تهدید به استفاده از زور یا اجبار، بهره‌گرفتن از محیط سرکوب‌گرانه یا

۸۰..... شخصی که ناتوان از اعلام رضایت واقعی است

۸۴..... و خامت قابل مقایسه

بخش دوم - جنایتهای دیگری که خشونت جنسی می‌تواند به آنها

۸۷..... مربوط باشد

۹۳..... اصول اساسی درباره‌ی خشونت جنسی برای ارائه به سیاست‌گذاران

اعلامیه‌ی جامعه‌ی مدنی درباره‌ی خشونت جنسی

بخش اول - اصول کلی

۱- خشونت جنسی اعمال منفرد، چندگانه، متداوم یا متناوبی را دربر می‌گیرد که از نظر قربانی، مجرم و یا در جوامع آن‌ها ماهیتاً جنسی به شمار می‌رود. چنین اعمالی را در صورتی می‌توان خشونت جنسی دانست که خودمختاری جنسی یا کرامت جنسی فرد را نقض کنند.

۲- این اعمال اقداماتی را دربر می‌گیرند که:

الف) به «زور» یعنی از طریق به‌کارگرفتن زور فیزیکی، تهدید به استفاده از زور یا اجباری که در اثر ترس از خشونت رخ می‌دهد، فشار، بازداشت، سرکوب روانی یا سوء استفاده از قدرت علیه شخص یا اشخاصی یا با بهره بردن از سرکوب رخ دهد؛

ب) علیه فردی رخ دهد که از اعلام رضایت واقعی، داوطلبانه، مشخص و ادامه‌دار، ناتوان یا بی‌میل از این کار باشد. شخصی ناتوان از اعلام رضایت است که به دلایل طبیعی، القایی یا سنی ناتوان باشد. عوامل دیگری که ممکن است بر توانایی شخص برای اعلام رضایت واقعی تأثیر بگذارد، از این قرار است: سواد، دسترسی

به اطلاعات، و موقعیت زبانی، آموزشی و اقتصادی؛
(پ) واکنش‌های روانی را نباید به‌عنوان بازتاب رضایت یا اجباری
نبودن شرایط تلقی کرد.

۳- اعمال خشونت جنسی را ممکن است هر شخصی صرف‌نظر از سن،
جنس یا جنسیت انجام دهد یا علیه هر شخصی انجام شود.

۴- اعمال خشونت جنسی ممکن است در هر زمان و در هر شرایطی، از
جمله در ازدواج، خانواده یا پیوند نزدیک رخ دهد.

۵- عملی ممکن است ماهیتاً جنسی باشد حتی اگر تماس فیزیکی در کار
نباشد؛

۶- عملی ممکن است ماهیت جنسی داشته باشد حتی اگر قصد از آن ایجاد
رضایت جنسی نباشد یا به چنین نتیجه‌ای نینجامد؛

۷- ماهیت جنسی و وخامت یک عمل بعضاً بر اساس هویت، توانایی، سن،
نژاد، جنس، فرهنگ، دین، پیشینه‌ی تاریخی، منشاء طبیعی مکانی و دیگر
وجه مشترک تعیین می‌شود. بنابراین، اگر تصمیم‌گیرنده‌گان برای درک
شرایط وقوع یک عمل گام‌هایی بردارند، از امکانات بهتری برای تعیین جنسی
بودن یک عمل و ارزیابی وخامت چنین اعمالی برخوردار خواهند بود.

بخش دوم - نشانه‌های ویژه درباره‌ی ماهیت جنسی یک عمل

هر یک از نشانه‌های زیر حکایت از جنسی بودن یک عمل دارد. با وجود این،
نشانه‌ها برای رسیدن به این نتیجه الزامی نیست و این فهرست نیز همه موارد
را دربر نمی‌گیرد:

- ۱ - این عمل آشکار کردن یکی از «بخش‌های جنسی بدن» یا تماس
جسمی با چنین بخشی از بدن از جمله از روی لباس را دربر بگیرد؛
- ۲- قصد مرتکب جرم از این عمل جنسی باشد یا شخص متاثر یا جامعه‌ی

او این عمل را ماهیتاً جنسی بداند؛

۳- مرتکب جرم یا شخص دیگری از این عمل رضایت جنسی کسب کند یا قصد آن را داشته باشد؛

۴- حتی اگر این عمل به خودی خود الزاماً جنسی نباشد هدف از آن گذاشتن تاثیر بر:

الف) خودمختاری یا استقلال جنسی شخص متاثر، از جمله توانایی او برای مشارکت در فعالیت جنسی، احساس میل جنسی یا داشتن پیوند نزدیک باشد؛

ب) گرایش جنسی یا هویت جنسیتی شخص متاثر باشد؛

پ) توانایی تولید مثل یا خودمختاری تولید مثل شخص متاثر باشد.

۵- این عمل کنایه‌ها یا زبان جنسی با تداعی ضمنی یا صریح جنسی برای شخص متاثر، جامعه یا مرتکب جرم را دربر بگیرد؛

۶- این عمل شامل به‌کارگیری مایعات یا بافت‌های مرتبط با توانایی جنسی و تولید مثل از جمله منی، مایعات واژنی، خون حیض، شیر پستان یا جفت، یا دخالت در آن‌ها، کنترل یا تخریب آن‌ها باشد.
این نشانه‌ها توضیحی هستند و همه‌ی موارد را دربر نمی‌گیرند.

بخش سوم - مثال‌هایی از اندام‌های جنسی بدن

در اکثر - اگر نه همه‌ی - فرهنگ‌ها مقعد، پستان‌ها، آلت مردانه، بیضه‌ها، واژن (مهبل) و فرج شامل چوچوله (کلیتوریس) اندام‌های جنسی بدن به‌شمار می‌روند.

در بعضی فرهنگ‌ها، بخش‌های دیگری از بدن نیز بخش‌های جنسی تلقی می‌شوند از جمله: پشت و به‌ویژه بخش پایینی پشت، باسن، گوش‌ها، موها،

کپل، دهان، گردن، ران‌ها، کمر و مچ‌ها.
این نمونه‌های اندام‌های جنسی بدن توضیحی هستند و همه‌ی موارد را دربر نمی‌گیرند.

بخش چهارم - مثال‌هایی از اعمال خشونت جنسی

۱- اعمال خشونت جنسی می‌تواند موارد زیر را دربر بگیرد:

- (الف) اعمالی که یک شخص علیه شخص دیگری انجام می‌دهد؛
- (ب) اعمالی که یک شخص باعث می‌شود تا شخص دیگری علیه خود یا علیه طرف سوم (از جمله شخصی دیگر یا یک حیوان) مرتکب شود؛
- (پ) اعمالی که یک گروه، مجموعه‌ی سیاسی یا دولتی یا سازمانی دیگر هدایت یا تسهیل می‌کند.

۲- اعمالی که می‌توان به‌عنوان نمونه‌هایی از خشونت جنسی تلقی کرد که از این جمله هستند:

(الف) انگ‌بختن دلهره یا ترس منطقی از خشونت جنسی؛

(ب) محروم کردن کسی از خودمختاری در تولید مثل، مثل وادار کردن او به بارداری اجباری، عقیم شدن اجباری، خراب‌کاری در تولید مثل، اجبار به بچه‌دار شدن؛ یا جلوگیری از حق انتخاب او مثلاً در مورد استفاده یا عدم استفاده از امکانات ضدبارداری، عقیم شدن، باردار کردن شخصی، یا به پایان بردن دوره‌ی بارداری در بدن خویش؛

(پ) محروم کردن کسی از دسترسی به بهداشت، درمان یا داروهای مربوط به قاعده‌گی، حامله‌گی، زایمان، مراقبت از فیستول، بواسیر، اچ‌آی‌وی یا بیماری‌های دیگری که از طریق جنسی منتقل می‌شود، مثله کردن اندام‌های

جنسی، بدشکل کردن، درمان بیماری‌های زنانه، ارولوزی یا ادرار یا هر جنبه‌ی دیگر از بهداشت جنسی یا بهداشت تولید مثل؛

ت) پرورش دادن شخصی برای فعالیت جنسی از جمله از طریق ارتباط آنلاین یا از طریق رسانه‌های اجتماعی؛

ث) تحقیر یا مسخره کردن شخصی بر اساس گرایش فرضی جنسی، هویت جنسی، عمل کرد جنسی، شهرت جنسی، گزینه‌های جنسی، فعالیت جنسی (با نداشتن آن) یا اندام‌های جنسی بدن؛

ج) انتقال عمدی اچ‌آی‌وی یا دیگر بیماری‌هایی که از طریق جنسی منتقل می‌شوند؛

چ) منع کردن کسی از مشارکت در فعالیت توافقی جنسی به‌خاطر جنس، گرایش جنسی، هویت جنسیتی، ناتوانی یا دلایل دیگری که حقوق بین‌المللی تبعیض به‌خاطر آن‌ها را ممنوع کرده است؛

ح) مجازات کردن کسی به‌خاطر سر باز زدن از مشارکت در فعالیت جنسی؛
خ) مجازات یا تحقیر کردن کسی به‌خاطر عدم پیروی از هنجارهای جنسیتی؛ وضعیت فرضی آن‌ها به‌عنوان نه مرد و نه زن؛ یا رفتار مفروض جنسی، گرایش جنسی یا هویت جنسیتی آن‌ها؛

د) آزار جنسی کسی با در پیش گرفتن تکراری رفتاری ناخوشایند که می‌تواند در شرایطی توهین‌آمیز، تحقیرآمیز یا ترساننده تلقی شود. رفتار ناخوشایند جنسی می‌تواند موارد زیر را دربر بگیرد:

یک) ایجاد سر و صدا، اظهار نظر یا حرکت‌هایی با تداعی جنسی؛

دو) ارسال پیام‌های صریح جنسی؛

سه) استفاده از تلفن یا وسایل دیگر برای نقض حریم خصوصی؛

چهار) خیره شدن به شیوه‌ای که به‌طور منطقی می‌توان به‌عنوان ابراز عینی جنسی یا تمایل جنسی تفسیر کرد.

ذ) وادار کردن کسی به ازدواج در کودکی یا به وارد شدن در رابطه‌ی

استثمارى جنسى؛ و

(ر) تهديد به نقض خودمختارى جنسى يا كرامت جنسى شخص به هر روشى.

۳- اعمالى كه ممكن است نمونه‌هاى خشونت جنسى باشند، در صورت وقوع به زور يا عليه شخصى كه ناتوان يا بيميل از ابراز رضایت واقعی، داوطلبانه و مشخص است، از این جمله هستند:

(الف) در حصر قرار گرفتن با شخصى ديگر؛

(ب) گاز گرفتن يکى از اندام‌هاى جنسى بدن يا بخش ديگرى از بدن با نيت جنسى؛

(پ) پخش يا توليد عكس، فيلم يا صداى ضبط شده‌ى شخصى در حالت برهنه‌گى يا نيمه‌پوشيده يا در حال عملى با ماهيت جنسى (چه اجبارى چه توافقى)، از جمله از طريق ارتباط آنلاينى يا از طريق رسانه‌هاى اجتماعى؛

(ت) قرار دادن شخصى در وضعيت برهنه‌گى، به‌ويژه اندام‌هاى برهنه‌ى جنسى بدن، يا قرار دادن آن‌ها در معرض عملى با ماهيت جنسى از طريق ديدن يا شنيدن: عكس، توصيف، فيلم، هنر يا صداى ضبط شده‌ى آن‌ها؛

(ث) وادار کردن شخصى به ورود در رابطه‌ى ازدواج يا پيوند نزديک ديگر يا نگه داشتن او در چنين رابطه‌اى، از جمله ازدواج قراردادى، ازدواج موقت، ازدواج دروغين، انتقال همسر/ شريك زندگى؛

(ج) وادار کردن شخصى به تظاهر به ميل جنسى يا لذت جنسى؛

(چ) وادار کردن شخصى به انجام حرکتهائى از جمله رقص با تداعى جنسى؛

(ح) وادار کردن شخصى به انجام حرکتهائى جسمانى‌اى كه به‌طور معمول در خلوت انجام مى‌شود در حضور ديگران، از جمله كارهاى مربوط به بهداشت قاعده‌گى؛

(خ) وادار کردن شخصى به درآوردن كامل يا بخشى از لباس از جمله برداشتن پوشش سر در فرهنگ‌هائى كه اين كار معنای جنسى دارد، يا الزام آن‌ها به

پوشیدن لباسی با تداعی جنسی؛

د) وادار کردن شخصی به اجرای رویه‌ها یا آیین‌هایی برای تعیین یا تغییر گرایش جنسی یا هویت جنسیتی آن‌ها؛

ذ) باردار کردن شخصی به هر روشی؛

ر) واریسی آلت تناسلی، مقعد، پستان‌ها، پرده‌ی بکارت شخصی بدون ضرورت پزشکی یا ضرورت مشابه؛

ز) بوسیدن یا لیسیدن شخصی به‌ویژه بخشی از اندام‌های جنسی بدن او؛

ژ) تماس جسمانی با شخصی از جمله با لمس هر یک از اندام‌های جنسی بدن آن شخص، استفاده از عضوی از اندام‌های جنسی بدن برای تماس با یک شخص یا از طریق نشستن یا دراز کشیدن روی یک شخص؛

س) نشان‌گذاری شخصی به‌عنوان منحرف جنسی، ناپاک جنسی یا بازمانده‌ی خشونت جنسی، از طریق استفاده از روش‌های قابل توجه فرهنگی مثل زدودن موی آن‌ها، الزام آن‌ها به استفاده از نمادهایی با معنای جنسی یا گذاشتن داغ بر بدن آن‌ها؛

ش) مثله کردن، سوزاندن، تنگ کردن عضوی از اندام‌های جنسی بدن یا زخمی کردن آن به طریقی دیگر، از جمله پس از مرگ شخص؛

ص) دخول در شخصی با آلت جنسی انسان یا حیوان هر چند به میزان کم؛

ض) دخول در مقعد یا سوراخ آلت تناسلی شخصی هر چند به میزان کم، با استفاده از یک شیء یا عضوی از بدن؛

ط) آماده کردن شخصی برای شرکت در فعالیت جنسی با شخصی دیگر؛

ظ) تماشای شخصی در حالت برهنه‌گی یا شرکت در اعمالی با ماهیت جنسی، از جمله از طریق دیدن یا شنیدن: عکس، توصیف، فیلم، هنر یا صدای ضبط شده‌ی آن‌ها.

۴- هم‌چنان که گفته‌های بازمانده‌گان، فعالان و جامعه‌ی مدنی جهانی نشان

می‌دهد، اعمالی را که به‌عنوان بخشی از خشونت ساختاری یا نهادینه انجام می‌شود از جمله اقدام‌ها و قصورهایی که به دست دولت‌ها و نهادهای دیگر رخ می‌دهد، نیز می‌توان به‌عنوان خشونت جنسی تلقی کرد. موارد زیر از این جمله هستند:

الف) ارتکاب خشونت جنسی (چنانکه پیش‌تر فهرست شد) به دست نماینده‌گان یا عوامل دولتی؛

ب) قصور دولت‌مردان کشور از:

یک) محافظت از مردم در مقابل خشونت جنسی؛

دو) بازخواست کردن از مرتکبان خشونت جنسی بر اساس قوانین

کشور یا ارجاع موضوع به دادگاه صالح؛ و یا:

سه) تضمین ارائه‌ی چاره و امداد به بازمانده‌گان.

پ) تصویب قانون‌های تبعیض‌آمیز که معافیت از مجازات مرتکبان جرم را تقویت یا مجاز می‌کنند، از جمله از طریق حکم‌های قانونی که به مرتکب جرم اجازه می‌دهند از طریق ازدواج با قربانی از دست عدالت بگریزند.

این مثال‌ها توضیحی هستند و همه‌ی موارد را دربر نمی‌گیرند. در فهرست بالا اعمال به ترتیب الفبا ذکر شده‌اند تا از تعیین ترتیب اهمیت میان آن‌ها پرهیز شود. هدف از این کار به‌ویژه پرهیز از این تصور است که اعمال شامل دخول الزاماً مهم‌تر از اعمال دیگر هستند.

بخش پنجم – عواملی که در تعیین وقوع عملی با ماهیت جنسی بدون رضایت واقعی، داوطلبانه، مشخص و ادامه‌دار تاثیر می‌گذارند

همان‌طور که در بخش دوم ملاحظه شد اعمالی با ماهیت جنسی در صورتی که به اجبار علیه شخصی که ناتوان یا بی‌میل از ابراز رضایت واقعی مشخص و ادامه‌دار است، انجام شوند می‌توانند خودمختاری جنسی یا کرامت جنسی

را نقض کنند. عوامل زیر از جمله مواردی هستند که می‌توان برای تعیین نارضایتی در وقوع عملی در نظر داشت:

(الف) آسیب‌پذیری شخص متاثر به‌خاطر عواملی که از نظر مرتکب جرم موجب برتری استراتژیک است، مثل جنس شخص متاثر، گرایش جنسی، هویت جنسی، سن، معلولیت، فقر، طبقه، جایگاه اجتماعی، کاست، قومیت، منشأ طبیعی مکانی، نژاد، دین، بی‌سوادی یا دلایل دیگر؛

(ب) شرایط بازداشت، حبس، یا نگهداری در بیمارستان روانی؛

(پ) شرایط مهاجرت یا جابجایی؛

(ت) شرایط نسل‌کشی، حمله‌های گسترده یا نظام‌مند، درگیری مسلحانه یا اغتشاش‌های ملی؛

(ث) مرتکب جرم دارای اسلحه و شخص متاثر غیرمسلح باشد؛

(ج) مرتکب جرم شخصی دارای مقام رسمی باشد؛

(چ) شخص متاثر دارای وابسته‌گی (از جمله مالی، حقوقی، حرفه‌ای، خانوادگی و یا شخصی) به شخص مرتکب جرم یا دارای هر گونه رابطه‌ای با او باشد که خطر استثمار را افزایش دهد؛

(ح) ناتوانی جسمی یا فکری شخص متاثر برای ابراز رضایت یا کنترل رفتار خود به دلایل سنی، بیماری روانی یا مسمومیت موقت؛

(خ) آگاهی از اینکه مرتکب جرم پیش‌تر علیه شخص متاثر یا شخص دیگری از خشونت به‌عنوان مجازات برای نپذیرفتن خواسته‌های مرتکب جرم از خشونت استفاده کرده است؛ یا

(د) شرایطی که از بروز خشونت جنسی با توجه به محیط وحشت که مرتکب جرم ایجاد کرده است.

این نمونه‌ها توضیحی هستند و همه موارد را دربر نمی‌گیرند.

پیوست ۱: اظهار نظر

بخش اول - اصول کلی

بخش اول «اعلامیه‌ی جامعه‌ی مدنی درباره‌ی خشونت جنسی» اظهاراتی کلی را فهرست می‌کند که به‌عنوان «اصول اساسی درباره‌ی خشونت جنسی» شناسایی شده‌اند. این اظهارات بر تجربه‌ی بازمانده‌گان خشونت جنسی در ۲۵ کشور و نیز اطلاعات ارائه شده از سازمان‌های غیردولتی، متخصصان، دانشگاهیان و کارشناسان دیگر استوار شده است. اطلاعاتی که طی این مشاوره‌ها درمیان گذاشته شده در حد وسیعی در این اعلامیه به‌کار گرفته شده و در سراسر این اظهار نظرها به‌عنوان مثال مورد استفاده قرار گرفته است. برای اطلاعات بیش‌تر درباره‌ی فرآیند تدوین این اعلامیه نگاه کنید به «پیوست دو: روش».

۱- خشونت جنسی اعمال منفرد، چندگانه، متداوم یا متناوبی را دربر می‌گیرد که از نظر قربانی، مجرم و یا در جوامع آن‌ها ماهیتاً جنسی به‌شمار می‌رود. چنین اعمالی را در صورتی می‌توان خشونت

جنسی دانست که خودمختاری جنسی یا کرامت جنسی فرد را نقض کنند.

۲- این اعمال اقداماتی را دربر می‌گیرند که:

الف) به «زور» یعنی از طریق به‌کارگرفتن زور فیزیکی، تهدید به استفاده از زور یا اجباری که در اثر ترس از خشونت رخ می‌دهد، فشار، بازداشت، سرکوب روانی یا سوء استفاده از قدرت علیه شخص یا اشخاصی یا با بهره بردن از سرکوب رخ دهد؛

ب) علیه فردی رخ دهد که از اعلام رضایت واقعی، داوطلبانه، مشخص و ادامه‌دار، ناتوان یا بی‌میل از این کار باشد. شخصی ناتوان از اعلام رضایت است که به دلایل طبیعی، القایی یا سنی ناتوان باشد. عوامل دیگری که ممکن است بر توانایی شخص برای اعلام رضایت واقعی تاثیر بگذارد، از این قرار است: سواد، دسترسی به اطلاعات، و موقعیت زبانی، آموزشی و اقتصادی؛

پ) واکنش‌های روانی را نباید به‌عنوان بازتاب رضایت یا اجباری نبودن شرایط تلقی کرد.

اظهار رضایت آزادانه، شامل رضایتی نمی‌شود که تحت اجبار یا هر شرایطی ابراز شود که طی آن قربانی در وضعیت آسیب‌پذیری باشد که مایل یا قادر نباشد در مورد عمل جنسی ابراز رضایت کند. وضعیت آسیب‌پذیری که می‌تواند اظهار رضایت را بی اعتبار کند می‌تواند نتیجه‌ی، به‌عنوان مثال، اسارت، بازداشت یا هر گونه وضعیت سرکوب از جمله سوء استفاده از قدرت یا درگیری باشد. بخش پنجم اعلامیه فهرستی از عوامل تاثیرگذار در مورد

تعیین ارتکاب عمل جنسی به اجبار یا بدون رضایت واقعی را تعیین کرده است.

با وجود اینکه در سطح گسترده‌ای پذیرفته شده که رضایت نباید یکی از عناصر مورد نظر در جنایت‌های بین‌المللی (از جمله نسل‌کشی، جنایت‌های ضد بشریت و جنایت‌های جنگی) یا موارد نقض گسترده حقوق بشر باشد، این رضایت هنوز در خارج از این چارچوب‌ها و به‌طور عمده در چارچوب‌های داخلی و در به‌اصطلاح "زمان صلح" مطرح است.

۳- اعمال خشونت جنسی را ممکن است هر شخصی صرف‌نظر از سن، جنس یا جنسیت انجام دهد یا علیه هر شخصی انجام شود.

هم‌چنان‌که در پرونده‌های شمار زیادی از دادگاه‌های بین‌المللی ثبت و ارائه شده، اشخاصی از هر جنسیت یا جنس می‌توانند مرتکب خشونت جنسی شوند یا قربانی آن باشند.

در هماهنگی با اصل ۳، زبان غیرجنسیتی در سراسر این اعلامیه به کار رفته است. برای فراگرفتن کلیه‌ی افراد از جمله افراد بینا جنسی، اعلامیه از واژه‌های خنثا (برای مثال، "آنها" به جای "او" مذکر یا مونث)^۲ استفاده کرده است. توصیه می‌شود که زبان خنثای جنسیتی در ترجمه‌های این اعلامیه نیز به کار گرفته شود. اگر این کار از لحاظ زبانی ممکن نباشد، پیشنهاد می‌شود که در ترجمه‌ها زیرنویس اضافه شود و مشخص کند که نیت اعلامیه دربرگرفتن همه‌ی مردم بدون توجه به جنسیت یا جنس است.

۴- اعمال خشونت جنسی ممکن است در هر زمان و در هر شرایطی،

1. themselves
2. himself & herself

از جمله در ازدواج، خانواده یا پیوند نزدیک رخ دهد.

در سال‌های اخیر، توجه بی‌سابقه‌ی بین‌المللی به خشونت جنسی در درگیری نشان داده شده و این توجه از جمله در شماری از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل و در «نشست سران جهان برای پایان دادن به خشونت جنسی در درگیری»^۳ در لندن در سال ۲۰۱۴ دیده می‌شود. این اعلامیه برای این به نگارش درآمده است که کلیه‌ی موارد خشونت جنسی از جمله مواردی را که در به‌اصطلاح "زمان صلح" رخ می‌دهد، دربر بگیرد. اصل ۴ برای این نگارش درآمده که محدودیت‌ها بر چارچوب ارتکاب اعمال مذکور در اعلامیه را حذف کند.

این اصل بازتاب یافته‌های مشورت‌هایی با بازمانده‌گان است که در آن‌ها مشارکت‌کننده‌گان علاوه بر بحث درباره‌ی خشونت جنسی مرتبط با درگیری، تجربه‌ی خشونت جنسی در محیط خانوادگی و اغلب به دست شوهر یا همسر را تشریح کردند. این پاسخ‌ها با پژوهش‌های فمینیستی هم‌سان است که تأکید می‌کنند که انسان‌ها - به‌ویژه زنان و کودکان - در محیط خصوصی خانه و خانواده در خطر خشونت و از جمله خشونت جنسی هستند.

اهمیت پذیرش اینکه خشونت جنسی ممکن است در محیط خصوصی رخ دهد، به‌ویژه طی مذاکرات درباره‌ی «عناصر جرم در دادگاه بین‌المللی جزایی»^۴ از ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۰ نشان داده شد. بعضی از کشورها کوشیدند خشونت جنسی در به‌اصطلاح "فضای خصوصی"، به‌ویژه در شرایطی که چنین اعمالی را می‌توان بر اساس باورهای دینی یا فرهنگی توجیه کرد، حذف شود. برای مثال، استدلالی که این کشورها (بحرین، عراق، کویت، لبنان، جمهوری عربی لیبی، عمان، قطر، عربستان سعودی، سودان، جمهوری

3. Global Summit to End Sexual Violence in Conflict

4. ICC Elements of Crime

عربی سوریه و امارات متحده عربی،) مطرح کردند، این بود که عناصر جنایت باید مشخص کند که جنایت تجاوز بر «روابط جنسی طبیعی و قانونی در ازدواج بر اساس اصول دینی یا هنجارهای فرهنگی در قوانین مختلف ملی» تاثیر نمی‌گذارد، جنایت برده‌گی جنسی «حقوق و وظایف و تعهدات ناشی از ازدواج بین یک مرد و یک زن» را دربر نمی‌گیرد، و این که جنایت بارداری اجباری «اعمال مربوط به روابط جنسی طبیعی در ازدواج یا زایمان کودکان در قوانین مختلف ملی بر اساس اصول دینی یا هنجارهای فرهنگی» رامستثنا می‌کند. این پیشنهادها رد شد، اما آنها اهمیت ارزش رهنمود روشن برای دادگاه‌ها و جامعه‌ی بین‌المللی را به‌طور کلی نشان می‌دهند و این واقعیت را به نمایش می‌گذارند که خشونت جنسی در چارچوب ازدواج، خانوادگی یا پیوند نزدیک موضوع دغدغه‌ی جدی به شمار می‌رود.

۵- عملی ممکن است ماهیتاً جنسی باشد حتی اگر تماس فیزیکی در کار نباشد؛

اصل پنجم تاکید می‌کند که تماس جسمانی لازمه‌ی اعمالی با ماهیت جنسی و به تبع آن‌ها خشونت جنسی نیست و این اعمال الزاماً به صدمه‌ی جسمی نمی‌انجامد. اطلاعاتی که بازمانده‌گان و جامعه‌ی مدنی جهانی ارائه کرده‌اند پشتیبان این اصل است.

اصل پنجم هم‌چنین با رویه‌ی قضایی در دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی سازگار است. عبارت خشونت جنسی هم‌چنین برای توصیف اعمالی به کار می‌رود که شامل تماس جسمی نیست یا به صدمه‌ی جسمی نمی‌انجامد، مثل برهنه‌گی اجباری.

۶- عملی ممکن است ماهیت جنسی داشته باشد حتی اگر قصد از

آن ایجاد رضایت جنسی نباشد یا به چنین نتیجه‌ای نینجامد؛

اصل ششم تأکید می‌کند که عملی با ماهیت جنسی (و به تبع آن اعمال "خشونت جنسی") الزاماً نباید به قصد ارضای جنسی باشد یا به چنین نتیجه‌ای بیانجامد. به بیان دیگر، بعضی از اعمال دارای ماهیت جنسی به ارضای جنسی مربوط می‌شوند ولی بعضی دیگر نمی‌شوند. هدف‌های دیگر ممکن است از جمله برقراری تسلط، مجازات، تحقیر یا ترساندن باشد. اصل ششم از حمایت گسترده‌ی بازمانده‌گان، پاسخ‌دهنده‌گان به پیمایش آنلاین «ابتکار زنان برای عدالت جنسیتی»^۵ و فعالان جامعه‌ی مدنی جهانی برخوردار است. این اصل هم‌چنین با اساسنامه‌ها و رویه‌ی قضایی دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی سازگار است که هیچ یک از آن‌ها برای تعیین تجاوز یا هر جنایت دیگری اثبات ارضای جنسی را ضروری نمی‌دانند.

۷ - ماهیت جنسی و وخامت یک عمل بعضاً بر اساس هویت، توانایی، سن، نژاد، جنس، فرهنگ، دین، پیشینه‌ی تاریخی، منشاء طبیعی مکانی و دیگر وجوه مشترک تعیین می‌شود. بنابراین، اگر تصمیم‌گیرنده‌گان برای درک شرایط وقوع یک عمل گام‌هایی بردارند، از امکانات بهتری برای تعیین جنسی بودن یک عمل و ارزیابی وخامت چنین اعمالی برخوردار خواهند بود.

اصل هفتم تأکید می‌کند که تجربه‌ی میل جنسی و در نتیجه اعمال جنسی و خشونت جنسی، در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. این اصل این باور را تأیید می‌کند که فعالان از برداشتن گام‌های مثبت یا پویا برای درک اهمیت فرهنگی اعمال مختلف سود خواهند برد. برای مثال،

5. Women's Initiative for Gender Justice (WIGJ)

قاضی‌ها می‌توانند از وکلا، کارشناسان و یا مشاوران دیگر دادگاه درباره‌ی موضوع نظر بخواهند.

بخش دوم - نشانه‌های ویژه درباره‌ی ماهیت جنسی یک عمل

هر یک از نشانه‌های زیر حکایت از جنسی بودن یک عمل دارد. با وجود این، نشانه‌ها برای رسیدن به این نتیجه الزامی نیست و این فهرست نیز همه موارد را دربر نمی‌گیرد:

۱- این عمل آشکار کردن یکی از «بخش‌های جنسی بدن» یا تماس جسمی با چنین بخشی از بدن از جمله از روی لباس را دربر بگیرد؛

مشاوره با بازمانده‌گان به میزان قابل توجهی تایید کرد که اعمال دربر گیرنده‌ی تماس با بخش‌های بدن (نگاه کنید به بخش سوم اعلامیه) اعمال جنسی به شمار می‌رود. پشتیبانی از این نظر در پاسخ‌ها به پیمایش آنلاین تاکید شده است.

در بعضی از مشاوره‌ها، مشارکت‌کننده‌گان گفتند که آشکار کردن یا لمس بخش‌هایی از بدن الزاماً عمل جنسی نیست؛ به‌عنوان مثال، چنین کاری ممکن است به‌عنوان بخشی از رویه‌ی عادی پزشکی باشد. به نظر این مشارکت‌کننده‌گان، تعیین یک عمل به‌عنوان عمل جنسی بسته‌گی به نیت مرتکب دارد.

نشانه‌های ویژه به منظور فرا گرفتن مواردی توصیف شده که در آن‌ها بانی عمل شخص متاثر را لمس می‌کند یا بخشی از بدن خود را به شخص متاثر نشان می‌دهد و نیز مواردی که در آن‌ها باعث می‌شود شخص متاثر بدن خود

یا بدن بانی عمل یا بدن شخص سوم را لمس کند یا بخشی از بدن خود را به شخص دیگری نشان دهد.

۲- قصد مرتکب از این عمل جنسی باشد یا شخص متاثر یا جامعه‌ی او این عمل را ماهیتاً جنسی بداند؛

در چندین مشاوره، مشارکت‌کننده‌گان گفتند که یک عمل بسته‌گی به نیت مرتکب ممکن است جنسی تلقی شود. پاسخ‌هایی از این نوع به نیت کسب ارضای جنسی و نیز هر نیتی با هدف تداعی یک عمل با میل جنسی - از جمله به قصد نشان‌گذاری بر شخص متاثر به‌عنوان منحرف جنسی یا کاستن از مطلوبیت جنسی آن‌ها در نظر دیگران - اشاره داشتند. چنین موردی، برای مثال، می‌تواند اسیدپاشی به قصد تاثیرگذاری بر جذابیت شخص از نظر دیگران را دربر بگیرد.

حتی اگر بانی عمل نیت جنسی نداشته باشد، شخص متاثر یا جامعه ممکن است از آن عمل چنین تصویری داشته باشد. این نکته در شماری از مشاوره‌ها مطرح شد. برای مثال در اکوادور مطرح شد که «چیزی که جنسی است بسته‌گی به آن دارد که من از چه چیزی می‌خواهم محافظت کنم. اگر چیزی که من می‌خواهم از آن محافظت کنم برای من جنسی باشد، در این صورت عملی که میل من را نقض می‌کند دارای ماهیت جنسی است.»

از آنجا که بازمانده‌گان بیش از همه تحت تاثیر عمل خشونت‌بار هستند و از آنجا که آن‌ها نفع‌برندگان اصلی از هر فرآیند عدالت‌خواهی، و یا غرامت برای تعدی‌ها هستند، هر عملی در صورتی که آن‌ها آن را جنسی تشخیص دهند باید جنسی تلقی شود. این تفسیر هم‌چنین باید تصور خانواده و جامعه‌ی شخص متاثر را دربر بگیرد.

۳- مرتکب جرم یا شخص دیگری از این عمل رضایت جنسی کسب کند یا قصد آن را داشته باشد؛

عملی را می‌توان جنسی دانست حتی اگر به قصد کسب رضایت جنسی نباشد یا به چنین نتیجه‌ای نرسد (نگاه کنید به اصل ششم). مشاوره نشان داد که در شرایطی که یک عمل باعث کسب رضایت جنسی برای بانی عمل یا شخص ثالث می‌شود یا قصد از آن رسیدن به چنین نتیجه‌ای است، این دلیلی برای طبقه‌بندی آن به‌عنوان عملی با ماهیت جنسی است.

۴- حتی اگر این عمل به‌خودی‌خود الزاماً جنسی نباشد هدف از آن گذاشتن تاثیر بر:

در بعضی از مشاوره‌ها، مشارکت‌کننده‌گان اظهار کردند که خشونت جنسی می‌تواند بر توانایی، میل یا رابطه جنسی؛ هویت جنسیتی؛ گرایش جنسی یا توانایی و خودمختاری در تولید مثل تاثیر بگذارد. با وجود این، آن‌ها درباره‌ی این موضوع نظر ندادند که آیا عملی به‌خاطر این تاثیرها و در شرایطی که این تاثیرها نتیجه مورد نظر باشد یک عمل جنسی می‌شود یا خیر.

در مشاوره‌های دیگر مشارکت‌کننده‌گان این موضوع را در نظر گرفتند که وقوع چنین نتیجه‌هایی بایستی به‌عنوان خشونت جنسی تلقی شود.

اعلامیه بر اساس این یافته‌ها تشخیص می‌دهد که یک عمل در شرایطی جنسی است که شخص قصد تاثیر گذاشتن بر توانایی، رابطه، هویت جنسی، گرایش جنسی یا توانایی و خودمختاری در تولید مثل شخص متاثر داشته باشد. به بیان دیگر، اگر شخصی مرتکب خشونت فیزیکی (مثل کتک زدن) بشود که به صورت تصادفی به از دست رفتن توانایی تولید مثل بیانجامد، این خشونت الزاماً خشونت جنسی نمی‌شود، چنین عملی در صورتی تبدیل

به خشونت جنسی می‌شود که مرتکب با استفاده از خشونت فیزیکی قصد تاثیر گذاری بر توانایی تولید مثل شخص متاثر را داشته باشد.

الف) خودمختاری یا استقلال جنسی شخص متاثر، از جمله توانایی او برای مشارکت در فعالیت جنسی، احساس میل جنسی یا داشتن پیوند نزدیک؛

در سراسر مشاوره‌ها، این نظر کلی وجود داشت که عملی جنسی می‌شود که باعث شود که شخص متاثر تمایل خود به فعالیت جنسی را از دست بدهد یا حفظ و نگهداری پیوند نزدیک را برای آن شخص دشوار کند. برای مثال، بسیاری از زنانی که خشونت جنسی را از سر گذرانده‌اند می‌گویند که از مردان می‌ترسند، نمی‌توانند به همسر خود به‌ویژه و نیز به‌عنوان احساس کلی اعتماد کنند، و یا در نتیجه‌ی خشونت علاقه‌ای به سکس ندارند. مشارکت‌کننده‌گان دیگر ناتوانی خود از داشتن رختخواب مشترک یا ناتوانی جسمی از داشتن سکس در نتیجه‌ی خشونت جنسی را شرح دادند.

این نظر که اعمال در صورتی جنسی هستند که بر توانایی، میل یا رابطه جنسی شخص تاثیر بگذارند، در استدلال‌های نماینده‌ی حقوقی قربانیان در پرونده‌ی دادستان دادگاه بین‌المللی جزایی علیه فرانسیس کیریمی موتاورا، اوهورو موئگای کنیاتا و محمد حسین علی^۶ در مورد خشونت پس از انتخابات ۲۰۰۸-۲۰۰۷ کنیا مورد پشتیبانی قرار گرفت. در این پرونده‌ها قربانیان از طریق وکیل خود استدلال کردند که عمل ختنه‌ی اجباری مردان باید به‌عنوان خشونت جنسی طبقه بندی شود زیرا این کار «تاثیر زیان‌بار جسمی و روانی از جمله بر توانایی آن‌ها برای آمیزش جنسی داشته است.» برای

6. The Prosecutor v. Francis Kirimi Muthaura, Uhuru Muigai Kenyatta and Mohammed Hussein Ali

مثال، یکی از قربانیان «قادر به حفظ نعوظ خود نبود و از انزال زود هنگام رنج می‌برد»، و یکی دیگر از قربانیان در رابطه‌ی جنسی دچار مشکل بود زیرا «باید لوله‌ای در مجرای ادرارش داشته باشد تا بتواند ادرار کند.»

ب) گرایش جنسی یا هویت جنسیتی شخص متاثر؛

در بعضی از مشاوره‌ها اظهار شد که عملی را می‌توان جنسی دانست که قصد از آن تاثیر گذاشتن بر گرایش جنسی یا هویت جنسی یک شخص باشد. برای مثال، در بحث‌هایی که در مکزیک انجام شد، مشارکت‌کننده‌گان به «تبدیل» قربانیان لزبین (اقدام‌های اصلاحی)» به‌عنوان عاملی که می‌تواند عملی را ماهیتاً جنسی کند، اشاره کردند. مشارکت‌کننده‌گان هم‌چنین این نکته را در پیمایش آنلاین مطرح و عنوان کردند که عملی می‌تواند جنسی باشد که منجر به «گسستن احساس بازمانده از شخصیت جنسیتی او بشود.» مشارکت‌کننده‌گانی از سوریه این تاثیر را مطرح کردند، به‌ویژه تاثیری که بر مردانی می‌گذارد که بارها در بازداشت مورد تجاوز قرار می‌گیرند.

در چنین مواردی، هم عمل اولیه و هم پیامدهای آن باید جنسی تلقی شود. یک مثال، به‌اصطلاح «تجاوز اصلاح‌گرانه» به زنان به‌عنوان راهی برای تغییر دادن گرایش متصور جنسی آن‌ها است. چنین اعمالی به‌خودی‌خود - عمل تجاوز جنسی به‌عنف - و نیز به این دلیل که مقصود از آن‌ها پیامدهای جنسی است (در شرایطی که قصد تاثیرگذاری بر گرایش جنسی یک شخص است) جنسی هستند. قصد در اینجا نقش مهمی بازی می‌کند. این بدان معناست که عمل اولیه تا زمانی که با قصد تاثیرگذاری بر گرایش جنسی یا هویت جنسیتی شخص رخ می‌دهد، نباید همیشه دارای ماهیتی جنسی باشد.

این نظر که اعمال در صورتی جنسی هستند که قصد یا اثر آن‌ها تاثیر

گذاری بر گرایش جنسی یا هویت جنسی شخص باشد، در استدلال‌های پیش‌گفته‌ی نماینده‌ی حقوقی قربانیان در پرونده‌ی موتاورا و کنیاتا مورد حمایت قرار گرفت. در این پرونده، قربانیان استدلال کردند که ختنه‌ی اجباری مردان باید به‌عنوان خشونت جنسی طبقه‌بندی شود زیرا که بر مفهوم هویت جنسی آن‌ها تاثیر گذاشته است و همان‌طور که وکیل قربانیان توضیح داد «حمله‌ها تاثیر شدیدی بر مردانه‌گی و حس مرد بودن قربانیان گذاشته است.» این حس مرد بودن در گزارش مشاوره‌ی کنیا مورد توجه قرار گرفت و یکی از بازمانده‌گان توضیح داد که توصیف یک مرد به‌عنوان «بیش‌تر زن تا مرد» یا «کمتر مرد» می‌تواند به تردید در مورد هویت جنسی و جنسیتی شخص بیانجامد.

توجه به این نکته مهم است که اعلامیه نمی‌گوید که گرایش جنسی و هویت جنسی عناصر قابل تغییر هستند. تنها ابراز می‌کند که در صورتی که چنین امری قصد مرتکب جرم و هدف او از دستیابی به آن به هر طریقی باشد، در این صورت شکلی از خشونت جنسی است.

پ) توانایی تولید مثل یا خودمختاری شخص متاثر در تولید مثل.

ملاحظه می‌شود که در مشاوره‌ها هیچ حمایت کلی از این نظر وجود ندارد که عملی را می‌توان جنسی تلقی کرد که بر توانایی تولید مثل یا خودمختاری تولید مثل شخص تاثیر بگذارد یا قصد از آن چنین نتیجه‌ای باشد. با وجود این، این نظر به دو دلیل در اعلامیه مطرح شده است.

اول، مشارکت‌کننده‌گان به‌طور کلی با این نظر مخالفت نکردند. بلکه وقتی نظر آن‌ها در این مورد سوال شد، آن‌ها توضیح دادند که خشونت جنسی (به‌ویژه تجاوز) چگونه بر توانایی آن‌ها در بارور کردن و زاییدن تاثیر گذاشته است. پاسخ‌ها نشان می‌دهند که این نظر رد نشده بلکه به‌درستی منتقل

نشده یا به‌درستی درک نشده است. مشارکت‌کننده‌گان نقض خودمختاری در تولیدِ مثل را که از طریق محرومیت کنترل شخص بر توانایی تولیدِ مثل خود انجام می‌شود، به‌عنوان شکلی از خشونت جنسی مطرح کردند که به‌طور عمده به استفاده یا عدم استفاده از روش‌های پیشگیری از بارداری مربوط است. به‌عنوان مثال، این موضوع به دست‌کاری یا صدمه زدن به کاندوم‌ها و دیگر وسایل پیشگیری از بارداری مربوط می‌شود.

دوم، طبقه‌بندی اعمالی به‌عنوان جنسی راهی برای پیگرد آن‌ها در دادگاه بین‌المللی جزایی و دادگاه‌های دیگر باز می‌کند. بنابراین، جامعه‌ی مدنی جهانی فرصتی برای حمایت از پاسخگویی در مورد تعدی‌های می‌باید که دولت‌ها در جرم‌انگاری صریح آن‌ها کنند - و گاهی بی‌میلی - نشان داده‌اند.

۵- این عمل کنایه‌ها یا زبان جنسی با تداعی ضمنی یا صریح جنسی برای شخص متاثر، جامعه یا مرتکب جرم را دربر بگیرد.

در بسیاری از مشاوره‌ها، مشارکت‌کننده‌گان گفتند که استفاده از عبارتی با تداعی تلویحی یا صریح جنسی، خشونت جنسی است. در مورد موضوع تداعی جنسی، در مشاوره‌ای در فلسطین پرسش درباره‌ی وضع تاهل یک شخص به‌عنوان روشی برای تحقیق درباره‌ی آمادگی جنسی شخص و یا کنایه در مورد "خوش‌شانسی" زن یا شوهر، به‌عنوان مثال مطرح شد. پیام‌های تلویحی اغلب با اظهاراتی دارای اشاره‌های جنسی دیگری همراه هستند، اما الزاماً اینطور نیست.

مشارکت‌کننده‌گان به‌طور کلی به زبان گفتاری اشاره می‌کردند، اما هیچ دلیلی برای کنار گذاشتن دیگر شکل‌های بیان، مثل ارسال ایمیل، پیام‌های متن و تصویر یا نشر پیام در رسانه‌های اجتماعی وجود ندارد. چه استفاده‌ی تلویحی و چه تصریحی از زبان جنسی یا زبانی با تداعی معنایی

جنسی می‌تواند معادل آزار جنسی و معادل خشونت جنسی باشد.

۶- این عمل شامل به‌کارگیری مایعات یا بافت‌های مرتبط با توانایی جنسی و تولید مثل از جمله منی، مایعات واژنی، خون حیض، شیر پستان یا جفت، یا دخالت در آن‌ها، کنترل یا تخریب آن‌ها باشد.

استفاده از مایع‌ها یا بافت‌های مربوط به توانایی جنسی و تولید مثل به‌عنوان عملی با ماهیت جنسی تشخیص داده شده است. این کار می‌تواند اعمال مختلفی با هدف لطمه زدن به مایع‌های شخصی یک فرد باشد. هم‌چنین می‌تواند استفاده از این مایع‌ها و بافت‌ها را به منظور صدمه‌ی عاطفی، تحقیر یا مجازات شخصی دیگر یا هر دلیل دیگری را دربر بگیرد که به کرامت انسان لطمه بزند.

پژوهش‌هایی که در استرالیا درباره‌ی شراکت در شیر مادر انجام شده نشان می‌دهند که شیر دادن «پیوند نزدیکی با هویت یک زن به‌عنوان مادر دارد.» با توجه به این موضوع، «[جنسی کردن] شیر مادر توجه ناخواسته‌ی جنسی به [زن]، بدن او، فرزندان او [او] یا نقش او به‌عنوان مادر است.» بنابراین، حفظ کنترل بر شیر خود، مسئله‌ی کرامت و هویت است. بنا به نظر زنانی که مورد مصاحبه قرار گرفتند، نقض این کنترل را می‌توان شکلی از خشونت جنسی دانست.

این نشانه‌ها توضیحی هستند و همه موارد را دربر نمی‌گیرند.

بخش سوم - مثال‌هایی از اندام‌های جنسی بدن

در اکثر - اگر نه همه‌ی - فرهنگ‌ها مقعد، پستان‌ها، آلت مردانه، بیضه‌ها، واژن (مِهَبِل) و فرج شامل چوچوله (کلیتوریس) اندام‌های

جنسی بدن به‌شمار می‌روند.

در بعضی فرهنگ‌ها، بخش‌های دیگری از بدن نیز بخش‌های جنسی تلقی می‌شوند از جمله: پشت و به‌ویژه بخش پایینی پشت، باسن، گوش‌ها، موها، کپل، دهان، گردن، ران‌ها، کمر و مچ‌ها. این نمونه‌های اندام‌های جنسی بدن توضیحی هستند و همه‌ی موارد را دربر نمی‌گیرند.

اندام‌های جنسی بدن در جامعه‌ها، فرهنگ‌ها، دین‌ها و عوامل دیگر متفاوت است بنابراین، این فهرست را نباید فهرستی جهان‌شمول دانست بلکه این فهرست نتیجه‌ی مشاوره‌های شخصی، پیمایش آنلاین و اطلاعاتی است که جامعه‌ی مدنی جهانی و کارشناسان ارائه کرده‌اند.

بخش چهارم - مثال‌هایی از اعمال خشونت جنسی

هدف از این بخش، ارائه‌ی فهرست غیرجامعی از اعمالی با ماهیت جنسی است که خشونت جنسی یا معادل خشونت جنسی هستند. در بعضی از مشاوره‌ها، مشارکت‌کننده‌گان تفاوتی بین اعمال جنسی و خشونت جنسی قائل نشدند. برای نمونه، زمانی که در مورد مثال‌های اعمال جنسی پرسش شد، بعضی از مشارکت‌کننده‌گان اعمالی را فهرست کردند که در اساس خشونت جنسی است (مثل تجاوز). برعکس، زمانی که در مورد مثال‌های خشونت جنسی پرسش شد، بعضی از مشارکت‌کننده‌گان اعمالی را فهرست کردند که تنها در صورت خشونت محسوب می‌شود که به اجبار یا بدون ابراز رضایت واقعی انجام شود (مثل لمس کردن یکی از اندام‌های جنسی بدن). اعلامیه این روش برابر دانستن "اعمال جنسی" و "خشونت جنسی" را نپذیرفته است.

برای اینکه تفاوت‌های بین این دو مفهوم بازتاب یابد، اعمالی که در این اعلامیه فهرست شده‌اند به دو نوع تقسیم می‌شوند: اعمالی که ذاتاً خشونت‌آمیز هستند و بنابراین به‌خودی‌خود خشونت جنسی به شمار می‌روند، و اعمالی با ماهیت جنسی که فقط در صورتی خشونت جنسی محسوب می‌شوند که به زور یا علیه شخصی انجام شود که بی‌میل یا ناتوان از ابراز رضایت واقعی، داوطلبانه، مشخص و ادامه‌دار باشد.

۱- اعمال خشونت جنسی می‌تواند موارد زیر را دربر بگیرد:

- الف) اعمالی که یک شخص علیه شخص دیگری انجام می‌دهد؛
- ب) اعمالی که یک شخص باعث می‌شود تا شخص دیگری علیه خود یا علیه طرف سوم (از جمله شخصی دیگر یا یک حیوان) مرتکب شود؛
- پ) اعمالی که یک گروه، مجموعه‌ی سیاسی یا دولتی یا سازمانی دیگر هدایت یا تسهیل می‌کند.

هدف از این تفسیر گسترش مفاهیم بین‌المللی خشونت جنسی با درخواست صریح از خوانندگان برای در نظر گرفتن کلیه‌ی انواع اعمال - به جای توجه صرف به اعمال مرتکب جرم - است.

۲- اعمالی که می‌توان به‌عنوان نمونه‌هایی از خشونت جنسی تلقی کرد از این جمله هستند:

الف) انگیختن دلهره یا ترس منطقی از خشونت جنسی؛

در چندین مشاوره، پاسخ‌دهندگان وضعیتی را شرح دادند که در آن‌ها اعمال اجباری جنسی به‌عنوان شکلی از خشونت جنسی محتمل یا اجتناب‌ناپذیر

به نظر می‌رسید. احساس ترس دائمی ناشی از کارزار گسترده‌ی خشونت جنسی از این جمله است.

مثالی را می‌توان در مشاوره در اوکراین دید که در آن زنانی که خشونت جنسی را از سر گذرانده بودند، اظهار کردند: «حتی بودن در محل اسارت احساسی از خطر و نامطمئنی برای ایشان ایجاد کرده بود. اقامت اجباری در محلی بسته با مردان باعث ترس و انتظار تعدی جنسی جنگجویان به آن‌ها شد.» آن گونه که یکی از مشارکت‌کنندگان توضیح داد، در بعضی از اسارتگاه‌ها «خشونت جنسی را می‌توان در محیط احساس کرد.»

مثال خوبی از این گونه دلهره را بازمانده‌گان ایزدی در عراق توصیف کرده‌اند. بازمانده‌گان توضیح دادند که ایزدی‌ها به‌طور مشخص هدف حمله‌ی جنگجویانی قرار دارند که زنان را می‌ربایند، آن‌ها را وادار به ازدواج ناخواسته می‌کنند و در صورت مقاومت با آن‌ها رفتار زشتی می‌کنند؛ در نتیجه، زنان ایزدی همواره ترس یا دلهره‌ی زیادی از وقوع چنین رویدادهایی دارند.

این موضوع در پرونده‌ی لادنر علیه دولت آمریکا^۷ مورد بحث قرار گرفت و در آنجا این رای صادر شد که «صرف قرار دادن شخصی در وضعیت ترس از صدمه، صرف‌نظر از اینکه شخصی واقعاً قصد وارد کردن صدمه دارد یا قادر به این کار است،» معادل صدمه است.

قصد از انتخاب این جمله‌ها در اعلامیه برگرداندن این تجربه‌ها به عمل است. عبارت «دلهره در حد منطقی» به این منظور به کار رفته است تا ترس‌های هرچند واقعی که برای مرتکب جرم قابل پیش بینی نبوده، در نظر گرفته نشود. ضروری است که قاضی‌ها یا دیگر تصمیم‌گیرنده‌گان در هنگام به‌کارگیری این استاندارد «منطقی» درباره‌ی چگونگی تجربه دیگران فکر کنند. استاندارد منطقی در این جا استاندارد یک شخص منطقی نیست بلکه استاندارد یک شخص منطقی با ویژگی‌های یک قربانی یعنی سن، جنسیت

و آسیب‌پذیری است.

در رای مربوط به آکایسو،^۸ دیوان بین‌المللی کیفری رواندا تشخیص داد که «زنان غیرنظامی آواره در ترس دائمی زندگی میکردند و وضعیت جسمانی و روانی آن‌ها در نتیجه‌ی خشونت جنسی و ضرب و جرح و قتل بدتر شد.» این اعلامیه این نظر را پذیرفته است که ترس دائمی، زمانی که مرتکبان جرم آن را به‌عمد ایجاد کنند، از طریق ایجاد فضایی که منجر به دلهره‌ی منطقی از خشونت جنسی شود، می‌تواند به‌خودی‌خود معادل خشونت جنسی باشد.

ب) محروم کردن کسی از خودمختاری در تولید مثل، مثل وادار کردن او به بارداری اجباری، عقیم شدن اجباری، خراب‌کاری در تولید مثل، اجبار به بچه‌دار شدن؛ یا جلوگیری از حق انتخاب او مثلاً در مورد استفاده یا عدم استفاده از امکانات ضدبارداری، عقیم شدن، باردار کردن شخصی، یا به پایان بردن دوره‌ی بارداری در بدن خویش؛

طبقه بندی این اعمال جداگانه به‌عنوان محرومیت از خودمختاری در تولید مثل در خدمت هدف مهمی است: نشان می‌دهد که محروم کردن شخصی از کنترل بر توانایی تولید مثل خود، صدمه محسوب می‌شود. از این نگاه، انجام سقط جنین الزاماً زیان‌بار نیست، هم‌چنان‌که ارائه‌ی وسایل کنترل بارداری یا باردار کردن کسی نیز زیان‌بار نیست. بلکه زیان در محروم کردن شخص از انتخاب است.

جلوگیری از انتخاب درباره‌ی استفاده یا عدم استفاده از وسایل کنترل بارداری، عقیم شدن، باردار کردن شخصی دیگر یا گذراندن دوره‌ی بارداری تا به آخر می‌تواند شکل‌های مختلف بسیاری به خود بگیرد. این عبارت به عمد

کلی است و موارد زیر را دربر می‌گیرد:

* محدود کردن انتخاب وسایل بارداری (که هم اجبار شخصی به استفاده از وسایل کنترل بارداری و هم محروم کردن او از دسترسی به آن را شامل می‌شود).

نقش آفرینان مختلفی، مثل داعش، و فارک در کلمبیا، اشخاص را ملزم به استفاده از وسایل بارداری طی درگیری مسلحانه کرده‌اند. در کلمبیا، خط مشی استفاده‌ی اجباری از وسایل کنترل بارداری اغلب با خط‌مشی سقط‌جنین اجباری در صورت ناموفق بودن این وسایل همراه بود.

* محدود کردن انتخاب در مورد عقیم شدن (که هم اجبار شخص به عقیم شدن و هم محروم کردن او از دسترسی به آن را شامل می‌شود).

* محدود کردن انتخاب در مورد باردار کردن شخصی دیگر (مثل اجبار مردی به باردار کردن شخصی دیگر). باردار کردن می‌تواند شامل باردار کردن طبیعی و مصنوعی باشد؛

* محدود کردن انتخاب در مورد گذراندن دوره‌ی بارداری. این مورد می‌تواند موارد زیر را دربر بگیرد:

* جلوگیری از دسترسی شخصی به خدمات سقط‌جنین، مثل آنچه در آلمان نازی رخ داد و زنانی که باید فرزندان آریایی به دنیا می‌آوردند از دسترسی به سقط‌جنین محروم شدند. این موضوع با بارداری اجباری متفاوت است زیرا الزامی به اثبات این نیست که بارداری به اجبار انجام شده است؛

* الزام شخصی به انجام سقط‌جنین؛ و

* باعث انداختن بچه‌ی کسی شدن. مثالی در این مورد در مکزیک مطرح شد و مشارکت‌کننده‌گان درباره‌ی سقط‌جنین‌های اجباری در اثر کتک و شکنجه به‌عنوان شکلی از خشونت جنسی سخن گفتند. شواهد دیگری از انداختن بچه در اثر خشونت جسمی یا

روانی را می‌توان در دادگاه نورنبرگ،^۹ دیوان بین‌المللی کیفری رواندا^{۱۰} و دادگاه بین‌المللی جنایت‌های جنگی ارتش ژاپن علیه زنان در مورد برده‌گی جنسی^{۱۱} یافت.

در مورد بارداری اجباری، شعبه‌ی محاکمه دادگاه بین‌المللی جزایی در رای تایید اتهام‌ها علیه دومینیک آنگون^{۱۲} خاطر نشان کرد که «جوهر جنایت (...) در این است که به شیوه‌ی غیرقانونی قربانی را در موقعیتی قرار داده که نمی‌تواند انتخاب کند تا بارداری را ادامه بدهد یا ندهد.» این ملاحظه با نظری که در این اعلامیه مطرح شده سازگار است، به این معنا که محروم کردن یک شخص از خودمختاری او در تولید مثل شکلی از خشونت جنسی محسوب می‌شود.

پدیده‌ی اجبار به تولید مثل هم‌چنین مداخله در برنامه‌ی کنترل بارداری فرد یعنی چیزی که «خراب‌کاری در کنترل زاد و ولد» توصیف شده، و یا مداخله در برنامه‌ی تولید مثل یک شخص را که «اجبار در بارداری» نامیده شده، دربر می‌گیرد. مشاوره با مردان بازمانده در سودان جنوبی، بروندی، جمهوری دموکراتیک کنگو و اوگاندا پدیده‌ی اجبار به «پذیرش بارداری ناشی از تجاوزی را که مرد در مورد آن مسئولیت نداشت» را، که به عبارت دیگر پدرشدن اجباری نامیده می‌شود آشکار کرد.

پ) محروم کردن کسی از دسترسی به بهداشت، درمان یا داروهای مربوط به قاعده‌گی، حامله‌گی، زایمان، مراقبت از فیستول، بواسیر، اچ‌آی‌وی یا بیماری‌های دیگری که از طریق جنسی منتقل می‌شود، مثله کردن اندام‌های جنسی، بدشکل کردن، درمان بیماری‌های

9. Nuremberg Tribunal

10. International Criminal Tribunal for Rwanda

11. Women's International War Crimes Tribunal on Japan's Military Sexual Slavery

12. Dominic Ongwen

زنانه، ارولوژی یا ادرار یا هر جنبه‌ی دیگر از بهداشت جنسی یا بهداشت تولید مثل؛

در عموم مشاوره‌ها اظهار شد که محروم کردن از دسترسی به رویه‌ها، اقدام‌ها یا نتایج مربوط به قاعده‌گی، تولید مثل یا بهداشت جنسی می‌تواند خشونت جنسی محسوب شود. این کار، به‌عنوان مثال، تاخیر در ارائه‌ی حمایت یا مراقبت بهداشتی و نیز تبعید زنان و دختران طی دوره قاعده‌گی را دربر می‌گیرد.

در مشاوره در اکوادور، اظهار شد که جلوگیری از آموزش جنسی و تولید مثل یک شخص، از جمله در موضوع‌های مربوط به کنترل بارداری و قاعده‌گی در چارچوب خانواده را در بعضی شرایط می‌توان شکلی از خشونت جنسی دانست.

یک مثال مربوط به سوریه وادار کردن اشخاص به نشان دادن وسایل استفاده شده برای بهداشت قاعده‌گی به‌منظور بازرسی بود.

مثال دیگری در گزارش نپال عنوان و نظام سنتی چائوپادی^{۱۳} مطرح شد که در غرب نپال رایج است و بر اساس آن زنان در دوره‌ی قاعده‌گی از ورود به خانه‌ها منع می‌شوند و ناچار هستند در جای دیگری زندگی کنند.

در مشاوره با مردان بازمانده در اوگاندا، سودان جنوبی، جمهوری دموکراتیک کنگو و بروندي، مثال «اجبار به حمام نکردن تا بازگشت همسر» مطرح شد.

ت) پرورش دادن شخصی برای فعالیت جنسی از جمله از طریق ارتباط آنلاین یا از طریق رسانه‌های اجتماعی؛

پرورش دادن برای فعالیت جنسی به این معنا است که شخص رابطه‌ای

خصوصی را با فردی پیش از رسیدن او به سن قانونی یا با فردی در موقعیت آسیب‌پذیر برقرار می‌کند تا علاقه‌ی جنسی را ایجاد یا ممکن سازد. از راه‌های مختلف می‌توان به این هدف دست یافت، از جمله ارتباط آنلاین یا ارتباط در رسانه‌های اجتماعی. یک مثال از این نوع پرورش دادن، فرایندی است که در آن فرد بزرگسال کودک یا نوجوانی را قانع می‌کند که با او رابطه‌ی عاشقانه توافقی دارد تا با او وارد ارتباط جنسی بشود و کودک احساس کند که با این کار توافق دارد، با وجود این که افراد زیر سن ناتوان از ابراز رضایت یا درک آسیب‌پذیری موقعیت خود هستند.

ث) تحقیر یا مسخره کردن شخصی بر اساس گرایش فرضی جنسی، هویت جنسی، عمل کرد جنسی، شهرت جنسی، گزینه‌های جنسی، فعالیت جنسی (یا نداشتن آن) یا اندام‌های جنسی بدن؛

این عنصر در سطح وسیعی مطرح شد. برای مثال، در مشاوره در لبنان، مشارکت‌کننده‌گان به «توهین [به یک زن] به‌خاطر اینکه در رابطه‌ی جنسی با شوهرش خوب عمل نمی‌کند» به‌عنوان مثالی از خشونت جنسی اشاره کردند. در مشاوره در مکزیک، مشارکت‌کننده‌گان خاطرنشان کردند که «به‌کار بردن واژه‌ها و گفتار مستهجن و تحقیرآمیز در اشاره به بدن قربانی یا گرایش جنسی نیز عمل جنسی محسوب می‌شود.» در مشاوره‌ها در شیلی، بازمانده‌گان توهین مکرر در بازداشتگاه بر اساس ظاهر فردی و قومیت را خاطر نشان کردند. در آنجا تاکید شد که اکثر توهین‌ها علیه زنان بود تا «از آن‌ها به‌عنوان زن سلب صلاحیت کنند.»

در سوریه، کمیسیون مستقل بین‌المللی تحقیق اعمال مشابهی را شناسایی کرد. مامور مردی که پس از انجام جستجو در آلت تناسلی زنی برای شستن دست‌هایش می‌رفت، او را «زن کثیف سنی» نامید.

در مشاوره‌ها با بازمانده‌گانی از اوکراین، مثال‌هایی از اسارت مطرح شد. «در مثالِ خوارشماری عمدی ویژه‌گی‌های ظاهری بازمانده و اقدام‌های دیگر برای تعدی به هویت جنسی زنان، در مواردی زندانیان را برهنه کردند و به‌خاطر جزئیاتی از ساختار جسمی آن‌ها مورد تمسخر قرار دادند ("نقص" بدن). به بازمانده‌گان گفتند که آن‌ها زن نیستند و مجرمان حاضر نیستند به علت سن زیاد آن‌ها با آن‌ها تماس جنسی داشته باشند.» یکی از زنان موردی از تحقیر خود در زندان را توصیف کرد: «به علت مصرف هورمون در پشت من مو رشد کرده بود... وقتی آن‌ها مرا برهنه کردند و موها را دیدند، به نگاه کردن و عکس گرفتن پرداختند.» این مساله نیز رویه‌ی برهنه کردن اجباری را نشان می‌دهد (نگاه کنید به بخش چهارم).

گزارش مشاوره‌ها با بازمانده‌گان از کامبوج خاطر نشان می‌کند که چگونه زنان کارگر کارخانه را با طعنه «دختران کارخانه» می‌نامیدند و این واژه به معنای آن بود که آن‌ها آسان‌گیر هستند، باکره نیستند، چندین شریک جنسی داشته‌اند و الی آخر.

هم‌چنین مشهور است که رویه‌ای رایج طی نسل‌کشی در رواندا استفاده از این کلیشه بود که زنان توتسی^{۱۴} و سوسه‌آفرین و هوس برانگیزتر از زنان هوتو^{۱۵} هستند. نتیجه این بود که زنان توتسی هدف خشونت جنسی قرار می‌گرفتند. برای مثال، شاهدان شهادت دادند که سربازان اینتراهامو^{۱۶} به اندام‌های جنسی و اندام‌های بدن زنان توتسی به‌عنوان شیء نگاه می‌کردند. گروهی از زنان در یکی از اردوگاه‌ها به اجبار برهنه شدند و به اجرای حرکت‌هایی پرداختند تا «ران‌های زنان توتسی را به نمایش بگذارند.» در پی آن و پس از اینکه یکی از سربازان اینتراهامو گفت «حالا ببینیم واژن زن توتسی چه احساسی به آدم می‌دهد»، این زنان مورد تجاوز قرار گرفتند.

14. Tutsi

15. Hutu

16. Interahamwe

ج) انتقال عمدی اچ‌آی‌وی یا دیگر بیماری‌هایی که از طریق جنسی منتقل می‌شوند؛

این موضوع را در آغاز مشارکت‌کنندگان مطرح کردند که گفتند اچ‌آی‌وی و بیماری‌های جنسی پیامد رایج تجاوز بوده است. در مشاوره در اوگاندا، زنی مثال‌هایی را از انتقال اچ‌آی‌وی/ایدز و دیگر بیماری‌های جنسی در نتیجه‌ی تجاوز و ایجاد مشکل در بچه دار شدن ارائه کرد. زمانی که سوال شد که آیا این انتقال بیماری را می‌توان به‌خودی‌خود خشونت جنسی دانست، پاسخ‌ها بدون استثنا در مواردی مثبت بود که مرتکب جرم از طریق تجاوز یا هر طریق دیگری چنین قصدی را داشته است. این شامل مواردی می‌شود که شخص متاثر بدون دانستن قصد مرتکب جرم در مورد رابطه‌ی جنسی رضایت داشته است (برای مثال اگر بیماری‌های جنسی از شخص متاثر پنهان نگه داشته شده یا مرتکب جرم درباره‌ی وضعیت خود دروغ گفته است).

چ) منع کردن کسی از مشارکت در فعالیت توافقی جنسی به‌خاطر جنس، گرایش جنسی، هویت جنسیتی، ناتوانی یا دلایل دیگری که حقوق بین‌المللی تبعیض به‌خاطر آن‌ها را ممنوع کرده است؛

در گزارش اکوادور، مشارکت‌کنندگان بر این نظر تاکید کردند که خشونت جنسی محدود به اعمالی نیست که خلاف کرامت جنسی انجام می‌شود؛ این اعمال هم‌چنین می‌تواند ممنوعیت دسترسی به فعالیت جنسی توافقی را دربر بگیرد. این موضوع به مفهوم "طبیعی بودن جنسی" (در مقایسه با "انحراف جنسی") مربوط است که به‌طور عمده - ولی نه فقط - تاثیر بر اعضای جامعه‌ی دگرباشان جنسی را در نظر می‌گیرد.

این ممنوعیت شخصی، خانوادگی و یا اجتماعی بر عمل کرد جنسی را می‌توان به‌عنوان خشونت جنسی ساختاری مشاهده کرد که می‌تواند، هم‌چون وضعیت درگیری در کلمبیا، به نابودی یا پاکسازی اجتماعی اشخاص "منحرف جنسی" بیانجامد.

ح) مجازات کردن کسی به‌خاطر سر باز زدن از مشارکت در فعالیت جنسی؛

مشارکت‌کننده‌گان در مشاوره در اوکراین آشکار کردند که زنان سربازی که حاضر به شرکت در فعالیت جنسی نشدند مورد آزار یا تهدید مقام‌های ارشد خود قرار گرفتند و این آزار جنسی در رده‌های ارتش اوکراین مورد مجازات قرار نگرفت.

در مشاوره‌ها با بازمانده‌گان ایزدی آشکار شد که داعش زنان را به‌خاطر رد کردن رابطه‌ی جنسی با سوزاندن چهره‌ها یا بدن آن‌ها مجازات می‌کرد.

خ) مجازات یا تحقیر کردن کسی به‌خاطر عدم پیروی از هنجارهای جنسیتی؛ وضعیت فرضی آن‌ها به‌عنوان نه مرد و نه زن؛ یا رفتار مفروض جنسی، گرایش جنسی یا هویت جنسیتی آن‌ها؛

در بسیاری از کشورها، این خشونت شکل تجاوز تنبیهی را به‌خود می‌گیرد، اما هم‌چنین ممکن است از طریق خشونت جسمی یا عاطفی رخ دهد. بنابراین، جنبه‌ی جنسی این خشونت بیش‌تر بر دلیل خشونت اتکا دارد تا بر خود عمل خشونت.

در مشاوره در مکزیک، مشارکت‌کننده‌گان مثالی درباره‌ی مرتکب جرمی ارائه کردند که خشونتی [نامشخص] را علیه زنی لژیون به‌کار برد تا «از او به‌خاطر

«قُر زدن» زنان انتقام بگیرد. «آنها هم‌چنین به کاربرد «زبان تبعیض‌آمیز بر اساس گرایش جنسی و زبان تهدیدآمیز به‌خاطر گرایش جنسی قربانی» اشاره کردند.

- (د) آزار جنسی کسی با در پیش گرفتن تکراری رفتاری ناخوشایند که می‌تواند در شرایطی توهین‌آمیز، تحقیرآمیز یا ترساننده تلقی شود. رفتار ناخوشایند جنسی می‌تواند موارد زیر را دربر بگیرد:
- (۱) ایجاد سر و صدا، اظهار نظر یا حرکت‌هایی با تداعی جنسی؛
 - (۲) ارسال پیام‌های صریح جنسی؛
 - (۳) استفاده از تلفن یا وسایل دیگر برای نقض حریم خصوصی؛
 - (۴) خیره شدن به شیوه‌ای که به‌طور منطقی می‌توان به‌عنوان ابراز عینی جنسی یا تمایل جنسی تفسیر کرد.

در سراسر مشاوره‌ها، نمونه‌هایی از آزار جنسی بارز بود. این مثال‌ها بدون استثنا در انواع شکل‌های مختلف مطرح شد. موارد آزار جنسی اغلب به‌عنوان شکلی از خشونت جنسی بدون دربرگرفتن تماس جسمی مورد تشخیص قرار گرفت.

در مشاوره‌های مربوط به اوگاندا، یکی از مشارکت‌کنندگان مثالی را به‌عنوان شکلی از خشونت جنسی بدون تماس جسمی ارائه کرد: لباس زیر شسته شده‌ی زنی را که برای خشک شدن در بیرون بود برده بودند. پاسخ‌دهندگان هم‌چنین ادعا کردند که نگاه به آنها به شیوه‌ای که حاکی از میل جنسی باشد شکلی از خشونت جنسی غیر جسمی است.

در مکزیک چندین شکل مختلف از آزار مطرح شد به‌طور عمده: «توهین، استفاده از بیان تحقیرآمیز و مستهجن (برای مثال وقتی نگهبانان شیر می‌نوشیدند از قربانیان می‌پرسیدند «شیر نمی‌خواهی؟» منظور از شیر در این

چارچوب منی مرد است.»»

گزارش مربوط به فلسطین بخش مهمی را به آزار جنسی در همه‌ی شکل‌های آن اختصاص داد. بازمانده‌گان تایید کردند که عملی شکلی از خشونت جنسی است که رفتار لفظی، جسمی و پیشروی‌های جنسی نسبت به بازمانده‌گان خشونت/هانت/میز محسوب شود. بازمانده‌گان گفتند که این روش در فلسطین رایج است و اکثریت - اگر نه همه - «در هنگام رفتن از محلی به محل دیگر، در بازارها، خیابان‌ها، پارک‌های عمومی، به‌ویژه تعطیلات و مناسبت‌های ملی و فرهنگی مورد آزار لفظی قرار گرفته‌اند.» چنین آزاری عملی جنسی را شامل می‌شود که هدف از آن اذیت و سوء استفاده از زنان و دختران باشد. آزار لفظی، اظهار نظر درباره‌ی بدن زن با توصیف صریح بدن او، بخش‌های محرمانه‌ی بدن او، پستان‌ها و اندام‌های تناسلی را دربر می‌گیرد (مثل اظهار نظرهایی هم‌چون «تو قشنگی»، «پستان‌های بزرگی داری»، اظهار نظر درباره‌ی قد یا باسن یک دختر یا زن یا اظهار نظرهایی مثل «مردی که با تو ازدواج کند خوش شانس است.»).

مشارکت‌کننده‌گان در مشاوره‌هایی در جمهوری آفریقای مرکزی گفتند که ارسال مکرر نامه‌های عاشقانه به کسانی که جواب نمی‌دهند می‌تواند معادل آزار جنسی باشد.

بازمانده‌گان بوسنیایی مثال حرکت زبان با معنای جنسی به سوی شخص دیگری را مطرح کردند.

آزار جنسی بر احساسات و تصور شخص یا اشخاص متأثر اتکا می‌کند صرف‌نظر از اینکه قصد از این رفتار ایجاد چنین احساسات یا تصویرهایی باشد. این کار می‌تواند نتیجه‌ی اعمال مختلفی به دست مرتکبان مختلفی در محل‌های متفاوتی باشد. این توصیف با درک و تفسیر سازمان ملل از آزار جنسی سازگار است که طبق آن «آزار جنسی اشتراک‌های زیادی با دیگر تعدی‌های جنسی دارد، چه در درگیری رخ بدهد، چه در خانه، در خیابان

یا جای دیگر.»

ذ) وادار کردن کسی به ازدواج در کودکی یا به وارد شدن در رابطه‌ی استثمار جنسی؛ و

مشارکت‌کننده‌گان طی مشاوره‌ها در حد گسترده‌ای ازدواج کودکان را به‌عنوان خشونت جنسی مطرح کردند. مشارکت‌کننده‌گان توافق داشتند که هر نوعی از ازدواج کودکان را بایستی ممنوع کرد و این ازدواج را خشونت جنسی دانست زیرا فعالیت جنسی نادرست با کودکان را دربر می‌گیرد. رابطه‌های استثمار جنسی ممکن است در وضعیت‌های مختلفی رخ بدهد. برای مثال، چنین رابطه‌ای می‌تواند اجبار شخصی به ارائه‌ی خدمات جنسی صرف‌نظر از دستمزد، مثل فاحشه‌گی اجباری یا برده‌گی جنسی را دربر بگیرد. چنین رابطه‌ای ممکن است خشونت خانگی را هم دربر بگیرد. مشاوره‌ها با بازمانده‌گان ایزدی روشن کرد که گاهی دخترها را به‌عنوان بخشی از آیین مصالحه به خانواده‌ی دیگری می‌دهند.

ر) تهدید به نقض خودمختاری جنسی یا کرامت جنسی شخص به هر روشی.

بازمانده‌گان طی مشاوره‌ها تهدیدها را به‌عنوان شکل‌های اصلی خشونت جنسی بدون تماس جنسی مطرح کردند. تهدیدها را می‌توان مستقیم علیه شخص متاثر و نیز علیه اشخاص ثالث (به‌ویژه اگر شخص متاثر آن‌ها را بشناسد) انجام داد.

این کار هم‌چنین تهدید صریح به انجام خشونت جنسی علیه شخصی دیگر را دربر می‌گیرد. تهدیدها را می‌توان مستقیم علیه شخص متاثر و نیز علیه

اشخاص ثالث (به‌ویژه اگر شخص متاثر آن‌ها را بشناسد) انجام داد. این کار هم چنین تهدیدهای مشروط به انجام خشونت جنسی را دربر می‌گیرد، مثل تهدید به اینکه اگر شخصی شرایط خاصی را رعایت نکند، مورد خشونت جنسی قرار خواهد گرفت. برای مثال، در مشاوره در لبنان، مشارکت‌کننده‌گان مثالی را مطرح کردند که در آن شخص الف از عمل جنسی با شخص ب فیلم می‌گیرد و سپس تهدید می‌کند که اگر شخص ب به اعمال جنسی بیش‌تر تن ندهد، او این فیلم را در یوتیوب منتشر خواهد کرد. با توجه به اینکه پخش عکس‌های جنسی به‌خودی‌خود خشونت جنسی است، این تهدید در جای خود خشونت جنسی محسوب می‌شود. در مشاوره‌ی مربوط به او کراین، قربانی‌ها درباره‌ی مواردی صحبت کردند که مورد تهدید نوع خاصی از مجازات قرار گرفته بودند: «یکی از زنان بازمانده شرح داد که چطور بدن او نسبت به تصویرهایی از خشونت که در اثر تهدیدها در ذهن‌اش ایجاد شده بود دچار استرس شده است. تهدیدها گاهی اشاره‌ای به خشونت جنسی نداشتند، اما قربانیان طوری مورد تهدید قرار گرفتند که همه‌گونه سناریوهای ممکن را تصور می‌کردند. بدین ترتیب، زنی بازمانده جمله‌ی یکی از جنگجویان را که «هر کاری بخواهیم می‌توانیم با تو بکنیم» به‌عنوان تهدید و از جمله خشونت جنسی تفسیر می‌کرد. قربانیان درباره‌ی مواردی صحبت کردند که با تهدید به انجام نوع ویژه‌ای از مجازات - انتقال به بازداشتگاه‌هایی که به‌خاطر سطح گسترده‌ی خشونت جنسی شهرت داشتند - روبرو شده بودند.»

۳ - اعمالی که ممکن است نمونه‌های خشونت جنسی باشند، در صورت وقوع به زور یا علیه شخصی که ناتوان یا بی‌میل از ابراز رضایت واقعی، داوطلبانه و مشخص است، از این جمله هستند:
الف) در حصر قرار گرفتن با شخصی دیگر؛

طی مشاوره‌ها با مردان بازمانده، مشارکت‌کننده‌گان مثال حبس شدن در فضایی مشترک با شخصی از جنس مخالف در زندان را مطرح کردند. این اعلامیه این نظر را پذیرفته که چنین عملی می‌تواند، بسته‌گی به چارچوب آن، کلیه‌ی گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی را دربر بگیرد. به این ترتیب، حبس شدن با شخصی دیگر از همان جنس اما با گرایش متفاوت جنسی در وضعیت برهنه‌گی یا چارچوب مشخص و متناسب دیگری می‌تواند همان اثر حبس شدن با شخصی دارای هویت جنسی مخالف را داشته باشد. مشارکت‌کننده‌گان در سوریه نیز واقعیت اجبار به ماندن در حبس با شخص دیگری در وضعیت برهنه‌گی را مطرح کردند. گرچه وضعیت برهنه‌گی تنش جنسی را افزایش می‌دهد، از نظر بازمانده‌گان، نزدیکی می‌تواند برای تصور خشونت جنسی یا ایجاد ترس از آن کافی باشد.

ب) گاز گرفتن یکی از اندام‌های جنسی بدن یا بخش دیگری از بدن بانیت جنسی؛

طی مشاوره‌ها و در پاسخ به پیمایش آنلاین، گاز گرفتن نیز در کنار بوسیدن و لیسیدن شخص دیگر مطرح شد. اعمال مختلف در این اعلامیه جدا شده‌اند زیرا گاز گرفتن، برخلاف بوسیدن و لیسیدن، در صورتی که در کلیه‌ی شرایط بر هر بخشی از بدن انجام شود مورد توافق عمومی نبود. برای این که عملی جنسی محسوب شود، شخص باید بخشی جنسی از بدن یا بخش دیگری از بدن را که دارای معنای جنسی است (نگاه کنید به بخش ۲) گاز بگیرد. مشارکت‌کننده‌گان در کلمبیا طی مشاوره خاطر نشان کردند که عمل گاز گرفتن، به‌ویژه گاز گرفتن نوک پستان‌ها را می‌توان به‌عنوان شکلی کلی‌تر از خشونت جنسی تلقی کرد: «تخریب بخش‌هایی از بدن». مثالی از این

عمل را می‌توان در پرونده‌ی دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق^{۱۷} - دادستان علیه دوشکو تادیچ^{۱۸} - یافت که در آن شعبه‌ی محاکمه به این نتیجه رسید که زندانی «مجبور شد با گاز گرفتن یکی از بیضه‌های آزندانی دیگری] او را از نظر جنسی مثله کند. از گاز گرفتن ممکن است هم‌چنین برای نشان‌گذاری شخصی به‌عنوان قربانی خشونت جنسی استفاده شود. برای اطلاعات بیش‌تر نگاه کنید به بخش ۳-۴ در بالا.

پ) پخش یا تولید عکس، فیلم یا صدای ضبط‌شده‌ی شخصی در حالت برهنه‌گی یا نیمه‌پوشیده یا در حال عملی با ماهیت جنسی (چه اجباری چه توافقی)، از جمله از طریق ارتباط آنلاین یا از طریق رسانه‌های اجتماعی؛

این مثال از عملی با ماهیت جنسی به‌ویژه در جوامعی اهمیت می‌یابد که ارتباط آنلاین و ارتباط‌ها در رسانه‌های اجتماعی توسعه یافته است و طیف گسترده‌ای از مردم از جمله نوجوانان و بزرگسالان از آن‌ها استفاده می‌کنند. این مثال در حد گسترده در مشاوره‌ها مطرح شد.

اکنون طیف گسترده‌ای از مثال‌ها در مورد چنین اعمالی در دست است، از جمله ارسال عکس‌های مستهجن یا ناخوابسته‌ی برهنه یا به‌اصطلاح «هرزه‌نگاری انتقامی» (یعنی انتشار فیلم‌ها یا عکس‌هایی از شخصی در حال فعالیت جنسی در اینترنت به‌عنوان شکلی از انتقام).

در مشاوره‌های مربوط به فلسطین، خشونت جنسی از طریق رسانه‌های اجتماعی به‌طور مشخص به‌عنوان شکلی تازه از آزار و روش اصلی اخاذی مطرح شد. در این گونه کشورها که «ناموس» مقدس تلقی می‌شود چنین

17. International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia

18. The Prosecutor v. Duško Tadic

اعمالی می‌تواند به قتل اشخاص متأثر و معمولاً زنان منجر شود.

ت) قرار دادن شخصی در وضعیت برهنگی، به‌ویژه اندام‌های برهنه‌ی جنسی بدن، یا قرار دادن آن‌ها در معرض عملی با ماهیت جنسی از طریق دیدن یا شنیدن: عکس، توصیف، فیلم، هنر یا صدای ضبط شده‌ی آن‌ها؛

این عمل شرایطی را دربر می‌گیرد که در آن مرتکب جرم بخش‌هایی از بدن خود را به نمایش می‌گذارد، بخش‌هایی از بدن را برهنه می‌کند یا باعث می‌شود شخص متأثر بدن خود را، بدن مرتکب جرم یا بدن شخص سومی را برهنه کند. این عمل هم‌چنین اجبار شخص به اعمال جنسی را دربر می‌گیرد، چه اعمال توافقی و چه اعمال اجباری.

مثال رایجی از این عمل در شرایط درگیری رخ می‌دهد، مثل میانمار که اشخاصی مجبور شدند تجاوز به یکی از اعضای خانواده را تماشا کنند. علاوه بر خشونت جنسی علیه شخصی که مورد تجاوز قرار می‌گیرد، اقدام به مجبور کردن دیگران برای تماشای چنین عملی نیز می‌تواند شکلی از خشونت جنسی علیه شاهدان تلقی شود. این رویه‌ی رایجی بود که دادگاه ویژه سیرالئون و دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق تشخیص دادند و یکی از بازمانده‌گان سودان جنوبی به‌عنوان مثالی در مشاوره‌ها مطرح کرد.

به علاوه، اطلاعاتی که از مشاوره‌ها به دست آمد نشان می‌دهد که قرار دادن شخصی در وضعیتی که عکس‌های سکسی را ببیند گاهی می‌تواند پیش درآمد اجبار شخصی به انجام اعمال "زنده‌ی" جنسی باشد. برای مثال، در مشاوره‌ی مربوط به لبنان، مشارکت‌کننده‌گان به مثالی از خشونت جنسی اشاره کردند که «زنی/زن شخصی مجبور شد فیلم‌های هرزه‌نگاری تماشا کند و پس از آن آنچه را تماشا کرده بود تقلید کند.»

اجبار به تماشای هرزه‌نگاری را اکثریت مشارکت‌کننده‌گان در مشاوره در همه‌ی کشورها به‌عنوان خشونت جنسی مطرح کردند. در مشاوره‌ی مربوط به اکوادور، مشخص شد که حتی وقتی قصد الزاماً جنسی نباشد، قرار گرفتن در وضعیت برهنه‌گی (یا رفتار بی‌توجه جنسی) در صورتی که بر میل جنسی کسی تاثیر بگذارد می‌تواند عمل جنسی تلقی شود. اجبار به تماشای برهنه‌گی یا اعمال جنسی یا شاهد آن بودن، چه اجباری چه توافقی، به‌طور کلی نقض آزادی و کرامت شخصی فرد تلقی شد.

ث) وادار کردن شخصی به ورود در رابطه‌ی ازدواج یا پیوند نزدیک دیگر یا نگه داشتن او در چنین رابطه‌ای، از جمله ازدواج قراردادی، ازدواج موقت، ازدواج دروغین، انتقال همسر / شریک زندگی؛

در بسیاری از مشاوره‌ها، مشارکت‌کننده‌گان به ازدواج اجباری یا انواع دیگر آن (مثل ازدواج زودهنگام، به ارث بردن زن) به‌عنوان مثالی از خشونت جنسی اشاره کردند. با توجه به این دیدگاه‌ها، اعلامیه عمل ورود به رابطه‌ی ازدواج یا ماندن در این رابطه را عملی با ماهیت جنسی می‌داند که در صورتی که اجباری باشد یا توافقی نباشد، خشونت جنسی می‌شود. بنابراین، ازدواجی که دیگران ترتیب می‌دهند (فرایندی که در آن اشخاص ثالث همسر را معرفی می‌کنند) الزاماً به‌عنوان خشونت جنسی تلقی نمی‌شود اما در صورتی که به اجبار، از طریق تقلب یا فریبکاری رخ بدهد می‌تواند خشونت جنسی باشد. در پرونده‌ی اُنْگُون، اتهام ازدواج اجباری به‌عنوان «عمل غیر انسانی دیگر» و جنایت ضد بشریت مطرح شد. این کار بر اساس رویه‌ی قضایی قبلی مربوط به دادگاه ویژه‌ی سیرالئون و دادگاه‌های فوق‌العاده‌ی کامبوج بود. در این دادگاه‌ها اعلام شده بود که قربانیان «ناچار از ورود در رابطه‌ی ازدواج در شرایط اجباری» و تحمل «درد و رنج یا زخم جسمی یا روانی یا حمله‌ی

جدی به کرامت انسانی با وخامتی قابل مقایسه با جنایت‌های ضد بشریت دیگر» شده بودند.

علاوه بر این، گزارشگر ویژه‌ی سازمان ملل در مورد تجاوز نظام‌مند، برده‌گی جنسی و رویه‌های مشابه برده‌گی طی درگیری مسلحانه به این نتیجه رسیده است که «برده‌گی جنسی هم‌چنین وضعیت‌هایی را دربر می‌گیرد که در آن‌ها زنان و دختران مجبور به "ازدواج" می‌شوند. برای مثال، علاوه بر مواردی که در رواندا و بوسنی سابق ثبت شده، گزارش‌هایی درباره‌ی زنان و دختران در میانمار وجود دارد که پس از اجبار به "ازدواج" یا اجبار به کار به‌عنوان باربر یا نظافت‌چی زمین‌های مین‌گذاری شده برای ارتش، مورد تجاوز یا تعدی‌های دیگر جنسی قرار گرفته‌اند.»

اعلامیه به «ازدواج یا دیگر پیوندهای مشترک نزدیک» (تاکید افزوده) اشاره دارد. این واژه‌ها پیوندهای اجباری و نیز پیوندهای اجباری خانه‌گی و جنسی را دربر می‌گیرند که هیچ یک از آن‌ها در کشورهای مربوطه ازدواج قانونی تلقی نمی‌شوند.

مشارکت‌کننده‌گان در مشاوره‌ها هم‌چنین مثال ازدواج موقت را مطرح کردند، یعنی ازدواجی که آغاز می‌شود و خیلی زود پس از رابطه‌ی جنسی خاتمه می‌یابد. این گونه ازدواج‌ها آشکارا فریب‌کاری است و به این دلیل انجام می‌شود تا مرتکب جرم از نگاه خود یا از نگاه جامعه یا فرهنگی مرتکب تجاوز نشده باشد.

مثال دیگری از پیوند نزدیک که می‌تواند معادل خشونت جنسی باشد در مشاوره‌ها با بازمانده‌گان در مالی عنوان شد. مشارکت‌کننده‌گان سنت لویرات^{۱۹} را خاطر نشان کردند که بر اساس آن مردان موظف هستند با بیوه‌ی برادرشان ازدواج کنند. این خشونت‌ی هم‌علیه بیوه و هم‌علیه مردی است که ناچار از ورود در رابطه‌ای شده که خود انتخاب نکرده است. در این صورت، هر

دو طرف مجبور هستند با انجام رابطه‌ی جنسی پیوند خود را تکمیل کنند که رابطه‌ی جنسی اجباری یا غیرتوافقی را دربر می‌گیرد.

ج) وادار کردن شخصی به تظاهر به میل جنسی یا لذت جنسی؛

عمل تظاهر به میل یا لذت جنسی و پیامدهای آن در مشاوره‌هایی در چندین جا مطرح شد. برای مثال، در مشاوره در لبنان، یکی از مشارکت‌کننده‌گان اظهار کرد که «ناگزیر باید تظاهر کند که طی عمل جنسی به او خوش می‌گذرد، زیرا اگر این کار را نکند کتک خواهد خورد و همسرش دست به اعمال خشونت‌آمیز دیگر خواهد زد.» یک بازمانده از زیمبابوه نیز وضعیت مشابهی داشته است و تحقیر ناشی از اجبار به لبخند زدن به مرتکب جرم و گفتن نام او طی تجاوز را خاطر نشان کرد.

مشاوره‌ها در فلسطین آشکار کردند که مردها همسرانشان را ملزم به تظاهر به میل جنسی می‌کنند و می‌گویند «مهمترین چیز لذت مرد است.» بنا به یک هنجار اجتماعی مرد می‌تواند «در هر زمان و در هر شرایطی، با رضایت یا بدون رضایت زن از بدن او لذت ببرد» و بدین ترتیب «اجبار به داشتن رابطه‌ی جنسی در دوره‌ی قاعده‌گی یا حامله‌گی» امری رایج است. مشاوره‌ها با بازمانده‌گان مرد مثال «اجبار به ابراز شادی در هنگام وقوع خشونت جنسی بر آن‌ها و شخصی دیگر» را آشکار کرد.

چ) وادار کردن شخصی به انجام حرکت‌هایی از جمله رقص با تداعی جنسی؛

در گزارش‌های چندین مشاوره، اجبار به انجام هر نوع حرکتی به‌ویژه - ولی نه الزاماً - در وضعیت برهنه‌گی در جلوی شخصی دیگر یا برای او خاطر نشان

شده است. این کار می‌تواند شکل‌های مختلف به خود بگیرد، از جمله رقصیدن، حرکات ژیمناستیک یا نرمش‌های دیگر (مثل چمباتمه زدن و حرکات‌های مشابه دیگر). بازمانده‌گان در بروندی اجبار به انجام رقص‌های جنسی برای ارضای شخصی دیگر را به‌عنوان نمونه‌ای از خشونت جنسی خاطر نشان کردند.

کمیسیون تحقیق سازمان ملل درباره‌ی حقوق بشر در جمهوری دموکراتیک خلق کره مثال دیگری را گزارش کرد که بر اساس آن ماموران کره‌ای زندانیان را مجبور می‌کردند برهنه چمباتمه بزنند.

در پیمایش و نیز در رویه‌ی قضایی بین‌المللی، اجبار کردن شخصی به رژه رفتن در حالت برهنه‌گی به‌عنوان شکلی از خشونت جنسی شناخته شده است. اتهام اجبار کردن قربانیان به رژه رفتن در حالت برهنه‌گی در پرونده دادستان علیه ژان پل آکاپسو^{۲۰} در دیوان بین‌المللی کیفری رواندا مطرح شد.

ح) وادار کردن شخصی به انجام حرکات‌های جسمانی‌ای که به‌طور معمول در خلوت انجام می‌شود در حضور دیگران، از جمله کارهای مربوط به بهداشت قاعده‌گی؛

این عمل می‌تواند الزام شخصی به ادرار، دفع مدفوع یا استفاده از لوازم مربوط به قاعده‌گی زیر نگاه دیگران را دربر بگیرد. برای مثال، در مشاوره در مکزیک، مشارکت‌کننده‌گان به اجبار به انجام کلیه‌ی اعمال پیش‌گفته در جلوی نگهبانان به‌عنوان خشونت جنسی اشاره کردند.

به همین منوال، بازمانده‌گان فلسطینی شرح دادند که توالت‌ها «به سَبک عربی است، و این بدان معناست که زندانی زن برای استفاده از آن باید چمباتمه بزند و بدن خود را به سربازانی که در اتاقی شیشه‌ای روبروی

توالت‌ها نشسته‌اند نشان بدهد.»

خ) وادار کردن شخصی به درآوردن کامل یا بخشی از لباس از جمله برداشتن پوشش سر در فرهنگ‌هایی که این کار معنای جنسی دارد، یا الزام آن‌ها به پوشیدن لباسی با تداعی جنسی؛

این عمل دو عمل فرعی را نیز شامل می‌شود: یکی ملزم کردن شخصی به درآوردن کامل یا بخشی از لباس خود و دیگری الزام به پوشیدن لباس‌هایی که تداعی جنسی دارند. اکثریت بزرگی از مشارکت‌کننده‌گان در کلیه‌ی مشاوره‌ها هر دوی این موارد را مطرح کردند.

شواهد اثباتی برای عمل اول را می‌توان در پرونده‌ی آکاپسو در دیوان بین‌المللی کیفری رواندا یافت که در آن شعبه‌ی محاکمه اعلام کرده است: «اعمال خشونت جنسی تعدی جنسی مثل برهنه کردن اجباری را دربر می‌گیرد.» در مشاوره در کنیا، مشارکت‌کننده‌گان «لخت کردن زنان، کودکان یا مردان را در انظار عمومی یا در حضور اعضای خانواده‌های آن‌ها» مطرح کردند.

اشاره به برداشتن روسری نظریاتی از مشاوره‌ها را در نظر می‌گیرد. برای مثال، مشارکت‌کننده‌گان در مشاوره در تونس اجبار به برداشتن حجاب را به‌عنوان شکلی از خشونت جنسی اعلام کردند. در کوزوو مشارکت‌کننده‌گان به «اجبار [به برداشتن روسری یا درآوردن لباس‌های دیگر و نشان دادن بدن خود یا بخش‌هایی از آن]» به‌عنوان خشونت جنسی اشاره کردند.

چندین مثال که در مشاوره‌ها در اوکراین مطرح شد به «اجبار زندانیان جنگی مرد به پوشیدن لباس زنانه» به‌عنوان خشونت جنسی اشاره شد. مثال‌های مربوط به تحقیر جنسی شامل «موردی درباره‌ی یک مرد غیرنظامی اسیر شده بود که اعضای گروه طرفدار روسیه در لوهانسک لباس چرمی به او پوشاندند

و او را با افسار سگ چرخاندند. نماینده‌گان جمهوری خلق لوهانسک از این عمل تحقیرآمیز فیلم برداشتند و ویدیوی آن را در اینترنت منتشر کردند.»
 بازمانده‌گانی در جمهوری دموکراتیک کنگو اظهار کردند که «اجبار به پوشیدن لباس‌های جذاب یا سکسی» خشونت جنسی تلقی می‌شود.

د) وادار کردن شخصی به اجرای رویه‌ها یا آیین‌هایی برای تعیین یا تغییر گرایش جنسی یا هویت جنسیتی آن‌ها؛

این عمل در چندین مشاوره مطرح شد. برای مثال، در مشاوره در لبنان، مشارکت‌کننده‌گان به «آزمایش بر روی» اشخاص لزبین، دوجنسی، ترنس و بینا جنسی (دگرباشان جنسی) در سوریه اشاره کردند. چنین رفتاری هم‌چنین در جاهای دیگر مستند شده است. مدارکی وجود دارد که در آلمان نازی، اشخاص همجنس‌گرا مجبور به مشارکت در آزمایش‌های زیست‌شناختی با هدف تغییر گرایش جنسی آن‌ها شدند. در نمونه‌ی دیگری که ارائه شده، بنا بر گزارش‌ها، دولت اسلامی عراق و شام تلفن‌های همراه مردم را برای یافتن مدارک فعالیت همجنس‌گرایی جستجو کرده است.

ذ) باردار کردن شخصی به هر روشی؛

باردار کردن در این موارد می‌تواند باردار کردن طبیعی و مصنوعی را دربر بگیرد. این عمل به «جلوگیری از انتخاب [یک شخص] برای باردار کردن یا نکردن شخصی دیگر» مربوط می‌شود. این دو عمل به دو دلیل تفکیک شده‌اند.

اول، شخص متاثر بین دو عمل در نوسان است؛ در مورد جلوگیری از انتخاب شخصی برای باردار کردن یا باردار نکردن شخصی دیگر، شخص متاثر

شخصی است که باردار می‌کند. در مورد عمل باردار کردن شخصی، شخص متاثر کسی است که باردار می‌شود.

دوم، در عین حال که جلوگیری از انتخاب شخصی در مورد حق تولید مثل او به‌خودی‌خود خشونت جنسی است، باردار کردن یک شخص فقط در صورتی خشونت جنسی محسوب می‌شود که به زور یا بدون رضایت واقعی، داوطلبانه، مشخص و ادامه‌دار انجام شود.

ر) واریسی آلت تناسلی، مقعد، پستان‌ها یا پرده‌ی بکارت شخصی بدون ضرورت پزشکی یا ضرورت مشابه؛

این مثال به‌اصطلاح «آزمایش بکارت» را دربر می‌گیرد. این آزمایش هنوز در بیش از ۲۰ کشور رایج است و بر بسیاری از بازمانده‌گان تجاوز که مایل به دادخواهی هستند و نیز کسانی که قصد ازدواج دارند تاثیر می‌گذارد. در هر دو مورد، زنان تحت آزمایش تجاوزگرانه‌ای قرار می‌گیرند که به روش‌های متفاوتی (به‌طور عمده برای تعیین وضعیت پرده‌ی بکارت) برای تعیین باکره بودن آن‌ها انجام می‌شود. یک نوع رایج این آزمایش «آزمایش دو انگشتی» است که در آن دو انگشت را در واژن شخص مورد نظر فرو می‌کنند تا اندازه و انعطاف آن را ارزیابی کنند. این کار را می‌توان شکل اجباری یا غیررضایتی دخول تلقی کرد.

یک مثال دیگر نیز که وسیعاً گزارش شده جستجو در سوراخ‌ها از جمله واژن، به‌ظاهر به قصد یافتن لوازم بارزش یا اسناد است. نماینده‌ی ویژه‌ی دبیر کل سازمان ملل در مورد خشونت جنسی در درگیری طی دیدار سال ۲۰۱۷ خود از بازار کاکس برای ملاقات با فراریان روهینگیا از میانمار، روایت‌های دست اول پر شماری از این گونه جستجوها را شنید.

این کار هم‌چنین معاینه‌های زنانه را دربر می‌گیرد. برای مثال، در مشاوری در

مکزیک، مشارکت‌کننده‌گان به «لمس ناشایست [متخصص زنان]» به‌عنوان مثال خشونت جنسی اشاره کردند. آن‌ها هم‌چنین «جستجوهای نالازم (برای مثال، در هنگام رفتن از یک محل به محلی دیگر در همان محیط که هیچگونه امکان پنهان کردن چیزی وجود نداشت) شامل لمس و برهنه کردن در چارچوب بازرسی امنیتی» را خاطرنشان کردند. به‌طور کلی، این کار در آوردن لباس و بازرسی بدنی را دربر می‌گیرد که حقوق بشر به رسمیت شناخته شده در سطح بین‌المللی را نقض می‌کند.

ز) بوسیدن یا لیسیدن شخصی به‌ویژه بخشی از اندام‌های جنسی بدن او؛

بنا بر مثال یکی از بازمانده‌گان در مشاوره در گرجستان «به بوسیدن اجباری فکر کنید. ممکن است به رضایت ختم نشود، اما دارای ماهیت جنسی است زیرا وقتی خلاف اراده‌ی شخص رخ دهد می‌تواند آدم را شرم‌زده کند، بترساند و تحقیرکننده و ناخوشایند باشد»

این کار و کارهای دیگر نیز می‌تواند شخص سومی را دربر بگیرد. این موضوع در پرونده‌ی تادیچ در دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق نشان داده شده که در یک مورد یک زندانی مجبور شد کپل زندانی دیگری را بلیسد. این موضوع هم‌چنین در پرونده‌ی دادستان علیه میروسلاو برالو^{۲۱} در دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق وجود داشت که مرتکب جرم پس از تجاوز مقعدی به یک زندانی او را وادار به لیسیدن آلت خود کرد.

ژ) تماس جسمانی با شخصی از جمله با لمس هر یک از اندام‌های جنسی بدن آن شخص، استفاده از عضوی از اندام‌های جنسی بدن

برای تماس با یک شخص یا از طریق نشستن یا دراز کشیدن روی یک شخص؛

در چارچوب این اعلامیه، این کار نشستن شخصی روی بخشی از بدن شخصی دیگر را دربر می‌گیرد، در شرایطی که هر دو نفر هر نوع لباسی به تن داشته باشند یا بدون لباس باشند، در صورتی که شخص متاثر این عمل را جنسی تلقی کند یا مرتکب جرم از آن قصد جنسی داشته باشد. چنین سناریویی در مشاوره در مکزیک خاطر نشان شد.

این کار هم‌چنین با قانون عرفی سازگار است. در پرونده‌ی دادستان علیه امانوئل روکوندو^{۲۲} در دیوان بین‌المللی کیفری رواندا، دادگاه خاطر نشان کرد که اجبار «[قربانی] به تماس جنسی با او، باز کردن زیپ شلوار خود، تلاش برای درآوردن دامن زن، دراز کشیدن به زور روی او، نوازش کردن او و مالیدن خود به او تا راضا شدن و فرونشستن نعوظ آشکارا دارای ماهیت جنسی بود.» قاضی‌ها در مورد «اعمال و گفته‌های روکوندو، مثل اینکه به زن گفته بود در صورت معاشقه با او، زن هرگز وی را فراموش نخواهد کرد،» به نتیجه‌ی مشابهی رسیدند «که یافته‌های دادگاه را درباره‌ی ماهیت جنسی اعمال او تایید می‌کند.»

در مشاوره‌ها با بازمانده‌گان مرد در اوگاندا، جمهوری دموکراتیک کنگو، برون‌دی و سودان جنوبی، نمونه‌ای آشکار شد که اشخاص «به‌عنوان تشکی مورد استفاده قرار گرفته بودند که روی آن به شخص دیگری تجاوز می‌شد.» در مشاوره با بازمانده‌گان در کنیا «همگان توافق کردند که مواردی وجود دارد که طی آن‌ها ممکن است تماس با بخش‌های جنسی بدن برقرار باشد بدون اینکه این کار الزاماً عملی جنسی تلقی شود.» تماس تصادفی مثل تماس در خودروهای عمومی، ایستادن در صف در سوپرمارکت‌ها و راه رفتن در جاهای

عمومی پرجمعیت چنین مثال‌هایی هستند. توافق عمومی بر این است که «قصد هر یک از طرفین تعیین می‌کند که چنین تماسی دارای ماهیت جنسی است یا نیست.»

قصد از اعمال در مشاوره در گرجستان نیز مطرح شد: «به گفته‌ی بازمانده، پستان، آلت تناسلی و ران‌های زنان بخش‌های اصلی جنسی بدن هستند، گرچه هر بخشی از بدن در صورتی که با قصد نزدیکی و جنسی لمس شود، می‌تواند جنسی تلقی شود.» برای بازمانده، عملی دارای ماهیت جنسی است که در آن تماس با بخش‌های جنسی بدن و هم‌چنین بخش‌های غیر جنسی آن دارای معنای ضمنی تمایل جنسی و شخص انجام دهنده در هنگام تماس دارای تمایل و قصد جنسی باشد. به نظر بازمانده‌گان، عامل تعیین کننده فقط بخش‌های مورد تماس یا آشکار شده بدن نیست بلکه هم‌چنین قصد شخص انجام دهنده است که به این عمل ماهیت جنسی می‌دهد. این عمل به شاخص نخست در بخش دوم اعلامیه درباره‌ی عملی با ماهیت جنسی مربوط می‌شود.

س) نشان‌گذاری شخصی به‌عنوان منحرف جنسی، ناپاک جنسی یا بازمانده‌ی خشونت جنسی، از طریق استفاده از روش‌های قابل توجه فرهنگی مثل زدودن موی آن‌ها، الزام آن‌ها به استفاده از نمادهایی با معنای جنسی یا گذاشتن داغ بر بدن آن‌ها؛

گرچه این عمل طی مشاوره‌ها مطرح یا طی پیمایش آنلاین مطرح نشد، گنجاندن آن در این اعلامیه مهم است.

مثال‌های تاریخی این عمل اجبار مردان همجنس‌گرا در اردوگاه‌های نازی‌ها به استفاده از مثلثی صورتی رنگ و تراشیدن موهای زنان متهم به داشتن رابطه‌ی جنسی با «دشمن» در فرانسه پس از جنگ جهانی دوم است.

مثال‌های اخیر این عمل، خشونت جنسی علیه مردم روهینگیا در گزارش مربوط به خشونت جنسی و جنسیتی در میانمار و تأثیر جنسیتی درگیری‌های قومی است که هیئت حقیقت‌یابی مستقل بین‌المللی سازمان ملل در آگوست ۲۰۱۹ منتشر کرد. بنا بر این گزارش، «مرتکبان جرم به‌طور معمول با گاز گرفتن گونه‌ها و بخش‌های دیگر بدن بازمانده‌گان [خشونت جنسی] که به نظر تلاشی برای "نشان‌گذاری" می‌رسید، روی بدن آن‌ها جای زخم به‌جا گذاشتند».

مثال‌های دیگر نشان‌گذاری، به‌ویژه در رابطه‌های تعدی‌آمیز خانگی یا استثمار، خالکوبی است.

ش) مثله کردن، سوزاندن، تنگ کردن عضوی از اندام‌های جنسی بدن یا زخمی کردن آن به طریقی دیگر، از جمله پس از مرگ شخص؛

مثال‌های مختلفی طی مشاوره‌ها مطرح شد، از جمله استفاده از «شوک الکتریکی به بخش‌های خصوصی بدن یک زن» در مکزیک یا استفاده‌ی نیروهای قذافی در لیبی از وارد کردن شوک الکتریکی به آلت تناسلی زندانیان سیاسی. در گزارش درباره‌ی مشاوره در کنیا، مشارکت‌کننده‌گان هم‌چنین مثال‌هایی را درباره‌ی مثله کردن اندام‌های جنسی، از جمله قطع کردن اندام‌های جنسی و نیز مثله کردن آلت تناسلی زنان را مطرح کردند.

این اعمال در چندین مورد در دادگاه ویژه‌ی سیرالئون^{۲۳} مطرح شد. طی پرونده‌ی دادستان علیه عیسی حسن بسای و دیگران^{۲۴} از جبهه‌ی متحد انقلابی،^{۲۵} چندین مثال درباره‌ی شکافتن آلت تناسلی مردان و زنان مورد

23. Special Court for Sierra Leone

24. The Prosecutor v. Issa Sesay et al.

25. Revolutionary United Front

اشاره قرار گرفت. در پرونده‌ی دادستان علیه معینینا فوانا و آلیاو گندوا^{۲۶} (نیز مشهور به پرونده‌ی نیروهای دفاع مدنی)،^{۲۷} دادستانی رویه‌ی به‌کار گرفتن فلفل بر روی آلت تناسلی مردان یا دور آن برای سوزاندن را خاطر نشان کرد. مثال مشابهی در مشاوره با بازمانده‌گان مرد «بستن شخص به زمین و ریختن شمع داغ روی بیضه‌ها و آلت آن‌ها» بود.

مثله کردن آلت تناسلی شکل بسیار رایج شکنجه‌ی جنسی علیه همه جنسیت‌ها است. مثال‌های زیادی از چنین اعمالی علیه مردان مثل فشار دادن آلت یا بیضه‌ها (مثلاً با دست یا با گذاشتن آن لای کشو) را می‌توان در گزارشی یافت که هلین توکت^{۲۸} در سال ۲۰۱۸ درباره‌ی خشونت جنسی علیه مردان منتشر کرد. مثله کردن آلت جنسی زنان طی درگیری و در زمان صلح در سطح وسیعی علیه زنان و دختران رخ می‌دهد. سازمان بهداشت جهانی ملاحظه کرده است که تا سال ۲۰۱۸ «بیش از ۲۰۰ میلیون زن و دختری که هنوز زنده هستند در ۳۰ کشور در آفریقا، خاورمیانه و آسیا که مثله کردن جنسی در آن‌ها رایج است، مثله شده‌اند».

در بعضی موارد، مثله کردن آلت جنسی پیش از اعمال دیگر رخ می‌دهد. بازمانده‌گان مرد در اوگاندا، سودان جنوبی، برون‌دی و جمهوری دموکراتیک کنگو مثال‌هایی از «ختنه کردن اجباری و در پی آن وادار کردن شخص ختنه شده به خوردن پیش‌پوست^{۲۹} یا دادن آن به شخصی دیگر (اغلب یکی از خویشان نزدیک) که وادار به خوردن آن می‌شود» مطرح کردند.

ص) دخول در شخصی با آلت جنسی انسان یا حیوان هرچند به میزان کم؛

26. The Prosecutor v. Moinina Fofana and Allieu Kondewa

27. Civil Defence Forces

28. Heleen Touquet

29. foreskin

همه‌ی مشارکت‌کننده‌گان در مشاوره‌های مختلف این عمل را ذکر کردند. این کار هر گونه دخول با آلت جنسی، از جمله در سکس دهانی را دربر می‌گیرد. همان‌طور که در پانویس ملاحظه شد، این واژگان از تعریف تجاوز در «عناصر جنایت در دادگاه بین‌المللی جزایی» برگرفته شده که موارد زیر را دربر می‌گیرد:

«مرتکب جرم شخصی را با رفتاری مورد تعرض قرار داد که منجر به دخول هرچند کم در هر بخشی از بدن قربانی یا مرتکب با عضوی جنسی، یا مقعد یا روزه‌ی آلت تناسلی قربانی با هر شیء یا هر بخشی از بدن شد.» (تاکید افزوده)

بخش‌های تاکید نشده‌ی این تعریف از تجاوز در جای دیگری در بخش سوم اعلامیه گنجانده شده‌اند. اشاره به عضو جنسی در اینجا طوری تفسیر می‌شود که دخول با آلت تناسلی طبیعی یا مصنوعی را دربر بگیرد.

مثال دخول در گوش‌ها طی مشاوره‌های مربوط به جمهوری دموکراتیک کنگو مطرح شد. مثال‌های مشابه از دخول در بینی را آن ماری د پروور^{۳۰} در تحلیلی از خشونت جنسی طی نسل‌کشی در رواندا ارائه کرد.

حضور حیوان‌ها نیز چندین بار مطرح شد. برای مثال، در مشاوره در کنیا، جماع با حیوان که در آن کسی مجبور می‌شود با حیوانی رابطه‌ی جنسی داشته باشد به‌عنوان یکی از مثال‌های خشونت جنسی ذکر شد.

ض) دخول در مقعد یا سوراخ آلت تناسلی شخصی هر چند به میزان کم، با استفاده از یک شیء یا عضوی از بدن؛

برخلاف مثال قبلی، این مثال به‌طور مشخص به دخول مقعدی یا واژنی

مربوط است. دخول الزاماً نباید با عضو جنسی انجام شود. این کار ممکن است با هر شیئی یا هر بخشی از بدن انجام شود. در این مورد نیز واژگان از «عناصر جنایت در دادگاه بین‌المللی جزایی» بر گرفته شده است.

در بسیاری از مشاوره‌ها، زمانی که در مورد خشونت‌های دیگر جنسی مورد اطلاع مشارکت‌کننده‌گان سؤال مطرح شد، آن‌ها مثال‌هایی از فرو کردن اشیاء در اندام‌های جنسی ارائه کردند.

گزارش دکتر هلین توکت با عنوان «پروژه‌ی حقیقت و عدالت بین‌المللی بی‌سکوت»^{۳۱} به موارد مرتبط و اظهارات اصلی شاهدان استناد می‌کند. در چهار مورد، مرتکبان جرم شیئی تیز را در مجرای ادرار فرو کردند. اشیاء به کار رفته تکه‌های سیم، تکه‌ای از یک قلم، میله‌ی باریک فلزی و ساقه‌ی برگ نارگیل بودند. برای این که مرتکبان جرم بتوانند این اشیاء را فرو کنند قربانی به میزی بسته می‌شود. این نوع شکنجه منجر به جراحتهای جدی شده است.

در اینجا "شیء" به معنای چیزهای بی‌جان یا چیزهایی است که به‌عنوان شیء به‌کار می‌رود. بر این اساس، بازمانده‌گان مرد از اوگاندا، بروندي، سودان جنوبی و جمهوری دموکراتیک کنگو مثال اجبار به «انجام عمل جنسی با سوراخی که در زمین ایجاد شده بود» را ارائه کردند.

ط) آماده کردن شخصی برای شرکت در فعالیت جنسی با شخصی دیگر؛

طی مشاوره‌ها با بازمانده‌گان مرد، مشارکت‌کننده‌گان مواردی را شرح دادند که در آن‌ها اشخاص مجبور شدند شخصی را برای انجام عمل جنسی با شخصی دیگر (به‌طور عمد با یک فرمانده)، از جمله با تحریک جنسی آن

شخص آماده کنند. این کار عمل جنسی را دربر می‌گیرد، اما عمل "آماده سازی یک شخص" به‌خودی‌خود حتی بدون تماس جسمی می‌تواند دارای ماهیت جنسی باشد. مثال دیگری از این عمل را می‌توان در پرونده دراگولجوب کوناراج^{۳۲} در دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق یافت. در این پرونده شاهد د.ب^{۳۳} ناچار شده بود زیر تهدید دوش بگیرد و برای «ارضای میل و هوس فرمانده» آماده شود. او سپس به‌خاطر ترس از انتقام فعالیت جنسی را دامن زده بود. آماده سازی شخص برای شرکت در فعالیت جنسی راه در صورتی که به اجبار یا بدون رضایت انجام شود، بر اساس این اعلامیه و نظریات بازمانده‌گان می‌توان خشونت جنسی دانست.

ظ) تماشای شخصی در حالت برهنه‌گی یا شرکت در اعمالی با ماهیت جنسی، از جمله از طریق دیدن یا شنیدن: عکس، توصیف، فیلم، هنر یا صدای ضبط شده‌ی آن‌ها.

این کار همه موارد را دربر می‌گیرد، چه شخص مطلع باشد که او را نگاه می‌کنند چه نباشد. بازمانده‌گانی در زیمبابوه شرح دادند که زنان چگونه وادار می‌شدند «برهنه بایستند و در این حال مردان تماشا و اظهار نظر می‌کردند.» این کار شامل تماشای شخص از طریق دوربین‌های تجسسی می‌شود. در مشاوره در مکزیک، مشارکت‌کننده‌گان به‌عنوان مثال خشونت جنسی درباره‌ی نگهبانانی گفتند که «در دفتری جمع می‌شدند تا زندانیان زن را از طریق دوربین‌های امنیتی تماشا کنند» و استمنا کنند.

به همین منوال، در مشاوره‌ها با بازمانده‌گانی در فلسطین، مشارکت‌کننده‌گان خاطرنشان کردند که سربازان و نگهبانان در هنگام استفاده آن‌ها از توالت‌ها

32. Dragoljub Kunarac

33. D.B.

آن‌ها را تماشا می‌کردند و گفتند: «در همه جا دوربین‌هایی وجود داشت که همیشه روشن بود. زندانیان گفتند که در هنگام رفتن به دادگاه در توال‌ها دوربین وجود داشت.»

۴- هم‌چنان که گفته‌های بازمانده‌گان، متخصصان و جامعه‌ی مدنی جهانی نشان می‌دهد، اعمالی را که به‌عنوان بخشی از خشونت ساختاری یا نهادینه انجام می‌شود از جمله اقدام‌ها و قصور‌هایی که به دست دولت‌ها و نهاد‌های دیگر رخ می‌دهد، نیز می‌توان به‌عنوان خشونت جنسی تلقی کرد. موارد زیر از این جمله هستند:

الف) ارتکاب خشونت جنسی (چنانکه پیش‌تر فهرست شد) به دست نماینده‌گان یا عوامل دولتی؛

ب) قصور دولت‌مردان کشور از:

یک) محافظت از مردم در مقابل خشونت جنسی؛

دو) بازخواست کردن از مرتکبان خشونت جنسی بر اساس

قوانین کشور یا ارجاع موضوع به دادگاه صالح؛ و یا:

سه) تضمین ارائه‌ی چاره و امداد به بازمانده‌گان.

پ) تصویب قانون‌های تبعیض‌آمیز که معافیت از مجازات مرتکبان جرم را تقویت یا مجاز می‌کنند، از جمله از طریق حکم‌های قانونی که به مرتکب جرم اجازه می‌دهند از طریق ازدواج با قربانی از دست عدالت بگریزند.

اطلاعاتی که بازمانده‌گان و جامعه‌ی مدنی جهانی ارائه کردند نشان می‌دهد که اقدام‌ها و قصور‌های دولت‌ها را نیز می‌توان به‌عنوان خشونت جنسی تلقی کرد. مثال‌هایی که ارائه شد، نبود محافظت دولتی یا چارچوب کلی خشونت خانه‌گی مورد توجه دولت را دربر می‌گرفتند. مثال دیگری که ارائه شد این

بود که نظام دولتی به جای قربانی از مرتکب جرم حمایت می‌کند یا حامی آن تلقی می‌شود، و این کار به‌خودی‌خود خشونت جنسی است. این مثال‌ها توضیحی هستند و همه موارد را دربر نمی‌گیرند. در فهرست بالا، اعمال به ترتیب الفبا ذکر شده‌اند تا از تعیین ترتیب اهمیت میان آن‌ها پرهیز شود. هدف از این کار به‌ویژه پرهیز از این تصور است که اعمال دربرگیرنده‌ی دخول الزاماً مهم‌تر از اعمال دیگر هستند.

بخش پنجم – عواملی که در تعیین وقوع عملی با ماهیت جنسی بدون رضایت واقعی، داوطلبانه، مشخص و ادامه‌دار تاثیر می‌گذارند همان‌طور که در بخش دوم ملاحظه شد اعمالی با ماهیت جنسی در صورتی که به اجبار علیه شخصی که ناتوان یا بیمیل از ابراز رضایت واقعی مشخص و ادامه‌دار است، انجام شوند می‌توانند خودمختاری جنسی یا کرامت جنسی را نقض کنند. عوامل زیر از جمله مواردی هستند که می‌توان برای تعیین نارضایتی در وقوع عملی در نظر داشت:

الف) آسیب‌پذیری شخص متاثر به‌خاطر عواملی که از نظر مرتکب جرم موجب برتری استراتژیک است، مثل جنس شخص متاثر، گرایش جنسی، هویت جنسی، سن، معلولیت، فقر، طبقه، جایگاه اجتماعی، کاست، قومیت، منشأ طبیعی مکانی، نژاد، دین، بی‌سوادی یا دلایل دیگر؛

ب) شرایط بازداشت، حبس، یا نگهداری در بیمارستان روانی؛

پ) شرایط مهاجرت یا جابجایی؛

ت) شرایط نسل‌کشی، حمله‌های گسترده یا نظام‌مند، درگیری مسلحانه یا اغتشاش‌های ملی؛

- ث) مرتکب جرم دارای اسلحه و شخص متاثر غیر مسلح باشد؛
ج) مرتکب جرم شخصی دارای مقام رسمی باشد؛
چ) شخص متاثر دارای وابسته‌گی (از جمله مالی، حقوقی، حرفه‌ای، خانوادگی و یا شخصی) به شخص مرتکب جرم یا دارای هر گونه رابطه‌ای با او باشد که خطر استثمار را افزایش دهد؛
ح) ناتوانی جسمی یا فکری شخص متاثر برای ابراز رضایت یا کنترل رفتار خود به دلایل سنی، بیماری روانی یا مسمومیت موقت؛
خ) آگاهی از اینکه مرتکب جرم پیش‌تر علیه شخص متاثر یا شخص دیگری از خشونت به‌عنوان مجازات برای نپذیرفتن خواسته‌های مرتکب جرم استفاده کرده است؛ یا
د) شرایطی که از بروز خشونت جنسی با توجه به محیط وحشت‌ناک مرتکب جرم ایجاد کرده است.
این نمونه‌ها توضیحی هستند و همه موارد را دربر نمی‌گیرند.

همان‌طور که در بخش ۱-۲ بیان شد، خشونت جنسی ممکن است به روش‌های زیر رخ دهد:

الف) به «زور» یعنی از طریق به‌کارگرفتن زور فیزیکی، تهدید به استفاده از زور یا اجباری که در اثر ترس از خشونت رخ می‌دهد، فشار، بازداشت، سرکوب روانی یا سوء استفاده از قدرت علیه شخص یا اشخاصی یا با بهره بردن از سرکوب رخ دهد؛

ب) علیه فردی رخ می‌دهد که از اعلام رضایت واقعی، داوطلبانه، مشخص و ادامه‌دار، ناتوان یا بی‌میل از این کار باشد. شخصی ناتوان از اعلام رضایت است که به دلایل طبیعی، القایی یا سنی ناتوان باشد. عوامل دیگری که ممکن است بر توانایی شخص برای اعلام رضایت واقعی تاثیر بگذارد، از این قرار است: سواد، دسترسی به اطلاعات، و موقعیت زبانی، آموزشی و اقتصادی.

در بخش ۵ تلاش بر تکمیل این اصول کلی است. بر اساس اطلاعاتی از بازمانده‌گان خشونت جنسی، جامعه‌ی مدنی، دانشگاهیان و حقوقدانان، با ارائه‌ی لیست جامعی از عواملی که ممکن است بر رخ دادن عملی با ماهیت جنسی بدون رضایت واقعی، داوطلبانه، مشخص و ادامه‌دار تاثیر بگذارد. مثال‌های بسیاری طی مشاوره‌ها مطرح شد. بعضی از این مثال‌ها کلی‌تر و در مورد چارچوب بودند، مثل حبس، مهاجرت یا بازداشت. بعضی دیگر مشخص‌تر بودند مثل موردی که مشارکت‌کننده‌ای از گزینه مثالی در مورد خشونت جنسی ارائه کرد که «کلاه آبی‌ها و بره قرمزها» مرتکب شدند و این اشاره‌ای به صلح‌بانان سازمان ملل و نظامیان بود. بعضی از عواملی را که در این لیست ذکر شده می‌توان در قانون‌های ملی و یا عهدنامه‌های بین‌المللی یافت که در سطح گسترده‌ای پذیرفته شده‌اند.

پیوست دو: روش

در پیوست دو اعلامیه‌ی جامعه‌ی مدنی درباره‌ی خشونت جنسی، فرایند تدوین اعلامیه تشریح شده است.

۱- اطلاعات درباره‌ی کمپین «آن را به نام خودش بنامید»
ابتکار زنان برای عدالت جنسیتی (WIGJ) سازمانی بین‌المللی است که از طریق دادگاه بین‌المللی جزایی و ساز و کارهای ملی در پی عدالت جنسیتی است. این سازمان کمپین «آن را به نام خودش بنامید»^{۳۴} را در دسامبر ۲۰۱۸ با دو هدف به راه انداخت: تقویت درک مواردی که می‌تواند اعمال خشونت جنسی محسوب شود و افزایش پاسخگویی به خاطر خشونت جنسی مرتبط با درگیری.

۲- تدوین اعلامیه‌ی جامعه‌ی مدنی و پیوست‌های آن
این اعلامیه و پیوست‌های آن در فرایندی جامع به شرح زیر تدوین شد:

۲-۱- پژوهش ساکن

۲-۲- پیمایش آنلاین

«بتکار زنان برای عدالت جنسیتی» به منظور گردآوری اطلاعات از طیف گسترده‌ای از نقش‌آفرینان از جمله سازمان‌های غیردولتی، متخصصان، کارشناسان و مردم عادی و نیز برای دریافت نمونه‌هایی از اعمال مشخص خشونت جنسی در زمینه‌های مختلف فرهنگی، پیمایش آنلاین را در وسیع‌ترین سطح ممکن پخش کرد. این پیمایش به ۱۴ زبان^{۳۵} از اکتبر ۲۰۱۸ تا آگوست ۲۰۱۹ به صورت آنلاین در دسترس بود و ۵۲۵ پاسخ‌دهنده از ۸۴ کشور زیر به آن جواب دادند: افغانستان، آرژانتین، ارمنستان، استرالیا، اتریش، بنگلادش، بلاروس، بلژیک، بوسنی و هرزگوین، برزیل، بلغارستان، برمه، کامبوج، کانادا، جمهوری آفریقای مرکزی، شیلی، چین، کلمبیا، ساحل عاج، کرواسی، جمهوری دموکراتیک کنگو، جمهوری دومینیکن، اکوادور، السالوادور، فرانسه، گرجستان، آلمان، گواتمالا، گینه بیسائو، گویان، مجارستان، هند، اندونزی، ایران، عراق، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، کنیا، کوزوو، لبنان، لیبی، لیتوانی، مالزی، مالی، مالت، مکزیک، میکرونزی، مولدوا، موزامبیک، نپال، هلند، نیوزیلند، نیجر، نیجریه، نروژ، پاکستان، سرزمین‌های فلسطین، پاراگوئه، پرو، فیلیپین، لهستان، سنت لوسیا، صربستان، اسلوانی، آفریقای جنوبی، کره جنوبی، سودان جنوبی، اسپانیا، سریلانکا، سودان، سوئد، سوئیس، سوریه، تانزانیا، تونس، ترکیه، اوگاندا، اوکراین، بریتانیا، ایالات متحده آمریکا، ونزوئلا، زامبیا و زیمبابوه.

هشت پرسش درباره‌ی آنچه به خشونت ماهیت جنسی می‌دهد با

۳۵. عربی، بنگالی، چینی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، اندونزیایی، هاسا، کره‌ای، پارسی، پرتغالی، روسی، رومانیایی و اسپانیایی

پاسخ‌دهنده‌گان مطرح شد. دو پرسش بدون محدودیت بود و پاسخ‌دهنده‌گان می‌توانستند اطلاعات بیش‌تر و نظریات شخصی خود را درباره‌ی موضوع‌های مشخص مرتبط با این پرسش‌ها اضافه کنند. از پاسخ‌دهنده‌گان درخواست شد نام، کشور مبدا و امکان تماس ارائه کنند، اما از پاسخ‌های ناشناس نیز استقبال شد.

۲-۳- مشاوره با بازمانده‌گان خشونت جنسی

از مارچ تا سپتامبر ۲۰۱۹، ابتکار زنان برای عدالت جنسیتی با سازمان‌های جامعه‌ی مدنی ملی و محلی برای انجام مشاوره با بازمانده‌گان خشونت جنسی از ۲۵ کشور زیر همکاری کرد: بوسنی، برون‌دی، کامبوج، جمهوری آفریقای مرکزی، کلمبیا، جمهوری دموکراتیک کنگو، اکوادور، گرجستان، گینه، عراق، کنیا، کوزوو، لبنان، مالی، مکزیک، نپال، نیجریه، سرزمین‌های فلسطین، سودان جنوبی، سودان، سوریه، تونس، اوگاندا، اوکراین و زیمبابوه. یکی از هدف‌های اصلی، گوناگونی جغرافیایی و فرهنگی بود. باید تأیید کرد که تمام مناطق و فرهنگ‌ها به میزان برابر نماینده نداشتند. در حدود ۴۵۰ بازمانده‌ی خشونت جنسی در مشاوره‌ها شرکت کردند. اکثریت غالب آن‌ها زن بودند. برای اطمینان یافتن از اینکه به نظریات مردان بازمانده نیز توجه شود، ابتکار زنان برای عدالت جنسیتی با سازمان‌های غیر دولتی همکاری کرد تا به‌طور مشخص مشاوره‌هایی برای گردآوری نظریات مردان بازمانده انجام دهد.

۲-۴- فرایند تهیه پیش‌نویس و بازبینی کارشناسان

۲-۵- نهایی کردن

۳- تحلیل و استفاده از اطلاعات

۴- بازبینی در آینده.

رهنمودهای حقوق بین‌المللی کیفری در مورد خشونت جنسی

مقدمه

رهنمودهای حقوق بین‌المللی کیفری «اعلامیه‌ی جامعه‌ی مدنی درباره‌ی خشونت جنسی» را تکمیل می‌کنند. نقطه‌ی آغاز این رهنمودها اساسنامه‌ی رُم دادگاه بین‌المللی جزایی است. به این ترتیب، این رهنمودها به موارد زیر توجه دارند:

- جنایت ضد بشریتِ «هر شکل دیگری از خشونت جنسی» (ماده‌ی (چ) (۷(۱)؛

- جنایت جنگی (در درگیری مسلحانه‌ی بین‌المللی) «هر شکل دیگری از خشونت جنسی ناقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو» (ماده‌ی (XXII)(ب) (۸(۲)؛ و

- جنایت جنگی (در درگیری مسلحانه‌ی غیربین‌المللی) «هر شکل دیگری از خشونت جنسی نقض جدی ماده‌ی ۳ مشترک در چهار کنوانسیون ژنو» (ماده‌ی (VI)(ث)(۸(۲).

جنایت‌های خشونت جنسی را نقش آفرینان مختلفی مرتکب می‌شوند و این جنایت محدود به فردی نیست که آن را مرتکب می‌شود.

بخش اول عناصر مادی برای «هر شکل دیگری از خشونت جنسی» را شرح می‌دهد.

بخش دوم شماری از جنایت‌های دیگر را شرح می‌دهد که بعضی از عناصر خشونت جنسی را تشکیل می‌دهند: جنایت‌های آپارتاید، اخراج یا انتقال اجباری جمعیت، به برده‌گی گرفتن، نابودی، نسل‌کشی، هتک حرمت شخصی، تعقیب و آزار، شکنجه و وارد کردن عمدی در دورنج یا زخم جدی به بدن یا سلامتی.

بخش اول - هر شکل دیگری از خشونت جنسی به‌عنوان جنایت ضد بشریت یا جنایت جنگی

۱ - برای پیگرد جنایت ضد بشریت یا جنایت جنگی «هر شکل دیگری از خشونت جنسی»، بر اساس «عناصر جنایت در دادگاه بین‌المللی جزایی» موارد زیر باید مشخص شود:

الف) مرتکب جرم در شرایط زیر عملی با ماهیت جنسی را علیه یک یا چند شخص مرتکب شده یا باعث شده که شخصی عملی با ماهیت جنسی را مرتکب شود: به «زور»، تهدید به استفاده از زور یا اجباری که در اثر ترس از خشونت رخ می‌دهد، فشار، بازداشت، سرکوب روانی یا سوء استفاده از قدرت علیه شخص یا اشخاص یا شخصی دیگر یا با بهره بردن از محیط سرکوب‌گرانه یا ناتوانی آن شخص یا اشخاص از اعلام رضایت.

ب) وخامت چنین رفتاری با موارد زیر قابل مقایسه است:

یک) دیگر جنایت‌های ضد بشری در ماده‌ی (ج) (۱) ۷، یعنی تجاوز، برده‌گی جنسی، فحشای قهری، بارداری اجباری و عقیم

شدن قهری (ماده‌ی ۶- (چ) (۱) (۷)؛

دو) نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو (۶- (XXii) (ب) (۲) (۸)؛ یا

سه) نقض جدی ماده‌ی ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو (ماده‌ی ۶- (VI) (ث) (۲) (۸)).

عملی با ماهیت جنسی

۲- باید نشان داد که «مرتکب جرم عملی با ماهیت جنسی را علیه یک یا چند شخص انجام داده یا باعث شده چنین شخصی یا اشخاص در عملی با ماهیت جنسی شرکت کنند [...]»

۳- اعمالی با ماهیت جنسی را هر شخصی می‌تواند علیه هر شخصی صرف‌نظر از سن، جنس یا جنسیت انجام دهد. این اعمال روابط بین همجنس‌ها را دربر می‌گیرند.

۴- این مورد یا باید توسط مرتکب جرم انجام شود:

الف) ارتکاب عملی با ماهیت جنسی علیه یک یا چند شخص، یا

ب) باعث شود تا شخصی در عملی با ماهیت جنسی شرکت کند (برای مثال، با مرتکب جرم، با خود یا با شخص دیگر).

۵- عملی با ماهیت جنسی اعمال جسمی و غیر جسمی را دربر می‌گیرد. ماهیت جنسی یک عمل را علاوه بر ارضای جنسی مرتکب جرم، می‌توان بر اساس تحقیر و خوار کردن قربانی تعیین کرد.

۶- در مورد لیست غیر جامع شاخص‌های تعیین ماهیت جنسی برای یک عمل باید به بخش دوم «اعلامیه‌ی جامعه‌ی مدنی درباره‌ی خشونت جنسی» مراجعه کرد. بخش سوم این اعلامیه لیست غیر جامعی از اقدام‌های جنسی بدن ارائه می‌کند.

اعمالی که دارای ماهیت جنسی تلقی می‌شوند، برگرفته از رویه‌ی قضایی

۷ - با اتکا بر رویه‌ی قضایی بین‌المللی در مورد اینکه آیا اعمالی که مورد پیگرد قرار گرفته‌اند دارای ماهیت جنسی بودند یا بر پایه‌ی مقررات دیگری (به‌ویژه رفتارها یا اعمال غیر انسانی) مورد پیگرد قرار گرفتند، لیست زیر اعمالی را دربر می‌گیرد که دارای ماهیت "جنسی" تلقی می‌شوند:

(الف) کتک زدن یا ایجاد جرح به یکی از اندام‌های جنسی بدن؛

(ب) گاز گرفتن یکی از اندام‌های جنسی بدن؛

(پ) باعث نگرانی یا ترس شخصی از خشونت جنسی شدن، از جمله از طریق تهدیدهای جنسی؛

(ت) سقط‌جنین اجباری؛

(ث) ازدواج اجباری؛

(ج) وادار کردن قربانی به شاهد اعمالی با ماهیت جنسی شدن؛

(چ) وادار کردن شخصی به انجام حرکتهایی، از جمله رقص، با تداعی جنسی یا در حالت نیمه برهنه یا برهنه‌گی کامل؛

(ح) واریسی اندام‌های جنسی بدن شخصی یا وقوع دوره‌های قاعده‌گی او؛

(خ) بوسیدن یا لیسیدن شخصی و به‌ویژه عضوی از اندام‌های جنسی بدن او؛

(د) وادار کردن قربانی به استمنای خود یا شخصی دیگر؛

(ذ) مثله کردن، سوزاندن، تنگ کردن، ختنه‌ی اجباری یا زخم کردن یکی از اندام‌های جنسی بدن به طریقی دیگر؛

(ر) وادار کردن شخصی به درآوردن کامل یا بخشی از لباس؛

(ز) برده‌گی جنسی؛

(ژ) لمس یکی از اندام‌های جنسی بدن، لمس قربانی با یکی از اندام‌های جنسی بدن یا لمس آن‌ها به طریقی جنسی؛

(س) لمس یکی از اندام‌های جنسی بدن با اسلحه یا شیئی دیگر.

لیست عناصر دیگر از اعلامیه‌ی جامعه‌ی مدنی درباره‌ی خشونت جنسی و اسناد دیگر

۸ - اعمال دارای ماهیت جنسی که در بالا شمرده شد آن‌هایی هستند که در دادگاه‌های بین‌المللی جزایی مورد بحث قرار گرفته‌اند. این لیست کامل نیست. همان‌طور که در «اعلامیه‌ی جامعه‌ی مدنی درباره‌ی خشونت جنسی» مطرح شد، اعمال دیگر دارای ماهیت جنسی می‌توانند موارد زیر را دربر بگیرند:

الف) محروم کردن کسی از خودمختاری در تولید مثل، مثل وادار کردن او به بارداری اجباری، عقیم شدن اجباری، خراب‌کاری در تولید مثل، اجبار به بچه‌دار شدن؛ یا جلوگیری از حق انتخاب او مثلاً در مورد استفاده یا عدم استفاده از امکانات ضدبارداری، عقیم شدن، باردار کردن شخصی، یا به پایان بردن دوره‌ی بارداری در بدن خویش؛

ب) محروم کردن کسی از دسترسی به بهداشت، درمان یا داروهای مربوط به قاعده‌گی، حامله‌گی، زایمان، مراقبت از فیستول، بواسیر، اچ‌آی‌وی یا بیماری‌های دیگری که از طریق جنسی منتقل می‌شود، مثله کردن اندام‌های جنسی، بدشکل کردن، درمان بیماری‌های زنانه، ارولوژی یا ادرار یا هر جنبه‌ی دیگر از بهداشت جنسی یا بهداشت تولید مثل؛

پ) پرورش دادن شخصی برای فعالیت جنسی از جمله از طریق ارتباط آنلاین یا از طریق رسانه‌های اجتماعی؛

ت) وادار کردن شخصی به انجام حرکات‌های جسمانی‌ای که به‌طور معمول در خلوت انجام می‌شود در حضور دیگران، از جمله کارهای مربوط به بهداشت قاعده‌گی؛

ث) مجازات کردن شخصی بر اساس گرایش فرضی جنسی، عمل‌کرد جنسی، شهرت جنسی، گزینه‌های جنسی، فعالیت جنسی (یا نداشتن آن) یا اندام‌های جنسی بدن؛

- (ج) آزار جنسی کسی با در پیش گرفتن تکراری رفتاری ناخوشایند که می‌تواند در شرایطی توهین‌آمیز، تحقیرآمیز یا ترساننده تلقی شود؛
- (چ) وادار کردن کسی به ازدواج در کودکی یا به وارد شدن در رابطه‌ی استثمار جنسی؛
- (ح) پخش یا تولید عکس، فیلم یا صدای ضبط شده‌ی شخصی در حالت برهنه‌گی یا نیمه‌پوشیده یا در حال عملی با ماهیت جنسی (چه اجباری چه توافقی)، از جمله از طریق ارتباط آنلاین یا از طریق رسانه‌های اجتماعی؛
- (خ) قرار دادن شخصی در وضعیت برهنه‌گی، به‌ویژه اندام‌های برهنه‌ی جنسی بدن، یا قرار دادن آن‌ها در معرض عملی با ماهیت جنسی از طریق دیدن یا شنیدن: عکس، توصیف، فیلم، هنر یا صدای ضبط شده‌ی آن‌ها؛
- (د) وادار کردن شخصی به اجرای رویه‌ها یا آیین‌هایی برای تعیین یا تغییر گرایش جنسی یا هویت جنسیتی آن‌ها؛
- (ذ) نشان‌گذاری شخصی به‌عنوان منحرف جنسی، ناپاک جنسی یا بازمانده‌ی خشونت جنسی، از طریق استفاده از روش‌های قابل توجه فرهنگی مثل زدودن موی آن‌ها، الزام آن‌ها به استفاده از نمادهایی با معنای جنسی یا گذاشتن داغ بر بدن آن‌ها.

زور، تهدید به استفاده از زور یا اجبار، بهره گرفتن از محیط سرکوب‌گرانه یا شخصی که ناتوان از اعلام رضایت واقعی است

۹ - لازمه‌ی جنایت یا جنایت‌های ضد بشریت و جنایت‌های جنگی که شکل‌های دیگر خشونت جنسی را دربر می‌گیرند این است که عملی با ماهیت جنسی «به زور، تهدید به استفاده از زور یا اجباری که در اثر ترس از خشونت رخ می‌دهد، فشار، بازداشت، سرکوب روانی یا سوء استفاده از قدرت علیه شخصی یا شخصی دیگر یا با بهره بردن از محیط سرکوب‌گرانه یا ناتوانی آن شخص یا اشخاص از اعلام رضایت واقعی» انجام شود.

۱۰ - اگر حداقل یکی از شرایط اجبار که در «عناصر جنایت در دادگاه بین‌المللی جزایی» مشخص شده محرز شود، همین کافی است تا عملی با ماهیت جنسی مورد نظر معادل «شکل دیگری از خشونت جنسی» تلقی شود. در نتیجه، اثبات نبود رضایت یا نشان دادن عدم رضایت قربانی، عنصر حقوقی جنایت «شکل‌های دیگر خشونت جنسی» بر پایه‌ی اساسنامه‌ی رُم نیست.

۱۱ - مواردی که رضایت نقشی در دفاعیه بازی می‌کند، «آیین‌نامه‌ی رویه‌ها و مدارک دادگاه بین‌المللی جزایی» روشن کرده که رضایت را به دلایل زیر نمی‌توان نتیجه گرفت:

الف) هر کلام یا رفتار قربانی در صورتی که زور، تهدید به استفاده از زور یا اجبار یا بهره گرفتن از محیط سرکوب‌گرانه از توانایی قربانی برای اعلام رضایت داوطلبانه و واقعی کاسته باشد.

ب) هر کلام یا رفتار قربانی در صورتی که قربانی از اعلام رضایت واقعی ناتوان باشد.

پ) سکوت یا مقاومت نکردن قربانی علیه خشونت جنسی مورد اتهام.

۱۲ - مشارکت فعال قربانی در عمل جنسی یا واکنش بدنی او نشانه‌ی رضایت نیست.

۱۳ - اعتبار، شخصیت یا تمایل جنسی قربانی یا شاهد را نمی‌توان به دلیل ماهیت جنسی رفتار قبلی یا بعدی قربانی یا شاهد نتیجه گرفت.

۱۴ - جنایت خشونت جنسی زمانی رخ می‌دهد که عملی با ماهیت جنسی در یکی از شرایط یا وضعیت‌های اجباری زیر رخ دهد:
الف) زور:

یک) گرچه خشونت جنسی می‌تواند با استفاده از زور رخ دهد، زور جنبه‌ی الزامی آن نیست.

دو) از زور ممکن است علیه قربانی یا شخص دیگری استفاده

شود.

(ب) تهدید به استفاده از زور یا اجبار، مثل ترس از خشونت، فشار، بازداشت، سرکوب روانی یا سوء استفاده از قدرت:

یک) از تهدید به استفاده از زور یا اجبار ممکن است علیه قربانی یا شخص دیگری استفاده شود.

دو) اجبار شامل مواردی است که در اثر ترس از خشونت، فشار، بازداشت، سرکوب روانی یا سوء استفاده از قدرت ایجاد می‌شود.

تهدید، ترساندن، اخاذی و شکل‌های دیگر فشار که باعث ترس یا استیصال می‌شود نیز ممکن است اجبار تلقی شود.

سه) لازمه‌ی اجبار استفاده از نیروی فیزیکی نیست. چهار) مثال‌هایی از تهدید به استفاده از زور یا اجبار از این قرار

است ولی محدود به این‌ها نیست:

الف) تهدید یا ترساندن با استفاده از اسلحه؛

(ب) تهدید علیه قربانی یا شخص دیگر مثل تهدید به کشتن یا زخمی کردن، صدمه زدن به اندام‌های

جنسی بدن؛

(پ) تکرار تهدید به استفاده از خشونت جنسی؛

(ت) بازداشت (چه قانونی چه غیرقانونی)؛

(ث) تکرار خشونت علیه بازداشت‌شده‌گان؛

(ج) اسیر و محدود کردن قربانیان؛

(چ) سوء استفاده از قدرت با توجه خاص به عواملی مثل

سن قربانیان یا مرتکبان جرم دارای مقام (مثل سرباز،

شخصی در پست رسمی یا مقام‌های محلی)؛

(ح) سرکوب روانی و القای وضعیت ترس دائمی؛

(خ) دادن وعده به قربانی، از جمله وعده‌ی صدمه نزدن

به اعضای خانواده‌ی او.

(پ) با بهره گرفتن از محیط سرکوبگرانه:

یک) بعضی از محیط‌ها به خودی خود سرکوب‌گرانه هستند، مثل حمله به جمعیت غیرنظامی یا حضور نظامی گروه‌های مسلح در یک منطقه. چندین عامل می‌تواند به ایجاد محیطی سرکوب‌گرانه کمک کند، از جمله:

(الف) شمار افرادی که در ارتکاب جنایتی شرکت دارند؛

(ب) این که خشونت جنسی بلافاصله پس از آن رخ داده است؛ و

(پ) این که خشونت جنسی همراه با جنایت‌های دیگر رخ داده یا خیر.

(دو) این تشخیص وجود دارد که شرایطی که در اکثر موارد اتهام جنایت‌های جنگی یا جنایت‌های ضد بشریت حاکم است تقریباً در همه جا سرکوب‌گرانه است.

(سه) باید نشان داد که رفتار مرتکبان جرم "بهره گرفتن" از چنین محیط سرکوبگرانه‌ای بوده است.

(ت) علیه شخصی ناتوان از اعلام رضایت واقعی. شخصی ناتوان از اعلام رضایت واقعی است که در وضعیتی متأثر از ناتوانی طبیعی، القا شده یا سنی به سر برد. برای مثال، اگر قربانی:

(الف) دچار بیماری یا معلولیت است؛

(ب) زیر تاثیر مواد به‌خصوصی به سر می‌برد؛

(ت) سن او در حدی نیست که رضایت واقعی اعلام کند.

وخامت قابل مقایسه

۱۵ - پیرو «عناصر جنایت در دادگاه بین‌المللی جزایی»، عملی با ماهیت

جنسی باید در وخامت قابل مقایسه با موارد زیر باشد:

- (الف) جرائم دیگر در ماده‌ی (۱) ۷ اساسنامه‌ی رُم (ماده‌ی ۶- (چ) ۷(۱)؛
 (ب) نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو ۶- (XXii) (ب) ۸(۲)؛
 (پ) نقض جدی ماده‌ی ۳ مشترک چهار کنوانسیون ژنو (ماده‌ی ۶- (Vi) (ث) ۸(۲).

۱۶ - باید توجه داشت که زبان مورد استفاده در عناصر جنایت در مورد جنایت جنگی «شکل‌های دیگر خشونت جنسی» (یعنی اینکه خشونت جنسی باید دارای "وخامت قابل مقایسه" باشد) با زبان مورد استفاده در اساسنامه‌ی رُم تفاوت دارد که می‌گوید «هر شکل دیگر خشونت جنسی» را که نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو یا نقض جدی ماده‌ی ۳ مشترک در چهار کنوانسیون ژنو باشد، ممنوع می‌کند. با وجود این، این تشخیص وجود دارد که اکثریت نماینده‌گان حاضر در کمیسیون تدارک و مجمع دولت‌های عضو و نیز دانشگاهیان اساسنامه‌ی رُم را مقدمه‌ای برای آغازی مشخص در مورد اهمیت جنایت تلقی کردند و نه به‌عنوان عاملی اضافی که نقض فاحش یا نقض جدی ماده‌ی ۳ مشترک به شمار رود.

۱۷ - عملی که دارای ماهیت جنسی است اعمال فیزیکی و غیرفیزیکی را دربر می‌گیرد. در نتیجه، معیار وخامت نمی‌تواند اعمالی را که شامل دخول یا تماس جسمی نیستند کنار بگذارد.

۱۸ - مفهوم "وخامت" هم‌چنین به قابلیت بررسی پرونده‌ها و صدور حکم برای اشخاص محکوم مربوط است. تحلیل دادگاه از وخامت در این شرایط می‌تواند نشان دهد که دادگاه چگونه معیار «وخامت قابل مقایسه» را در مورد «شکل‌های دیگر خشونت جنسی» بررسی خواهد کرد. به‌ویژه روشن است که دادگاه ارزیابی کیفی و کمی را در پیش می‌گیرد. در نتیجه عوامل زیر را می‌توان در نظر گرفت:

(الف) مقیاس و ماهیت گسترده‌ی جنایت‌های ارتکابی، از جمله ارزیابی از

گستره‌ی جغرافیای و زمانی یا شمار قربانیان؛

(ب) ماهیت رفتار غیرقانونی؛

(پ) رویه‌ی جنایت‌ها و به‌ویژه روش‌های مورد استفاده برای ارتکاب آن‌ها،

ارتکاب جنایت به روشی به‌ویژه خشونت‌بار یا ظالمانه؛

(ت) شرایط، زمان و مکان؛

(ث) تاثیر جنایت‌ها و گستره‌ی صدمه‌ی وارده به‌ویژه صدمه‌ای که به قربانیان

و خانواده‌های آن‌ها وارد شده، از جمله صدمه‌ی روانی مثل افسرده‌گی، قطع

روابط یا احتمال خودکشی؛

(ج) ارتکاب جنایت در شرایطی که قربانی به‌ویژه بی دفاع یا آسیب‌پذیر است

از جمله علیه کودکان؛

(چ) ارتکاب جنایت با هر انگیزه‌ی دربرگیرنده‌ی تبعیض؛ و

(ح) سوء استفاده از قدرت یا موقعیت رسمی مرتکب جرم.

۱۹ - رویه‌ی قضایی دادگاه در مورد جنایت ضد بشریت «اعمال غیر انسانی

دیگر» می‌تواند نشان‌گر تحلیل از وخامت باشد. اعمال غیر انسانی باید دارای

«ویژه‌گی مشابه با هر عمل دیگری» باشند که در اساسنامه‌ی رُم جنایت

ضد بشریت به شمار می‌رود. در عناصر جنایت، "ویژه‌گی" اشاره به ماهیت و

وخامت جنایت دارد. عوامل مهم برای تعیین آن از این جمله هستند:

الف ماهیت عمل یا حذف؛

(ب) چارچوبی که جنایت در آن رخ داده؛

(پ) شرایط شخصی و آسیب‌پذیری قربانیان، از جمله سن، جنس و سلامتی؛

و

(ت) تاثیر عمل بر قربانی، از جمله تاثیرهای فیزیکی، روانی و اخلاقی؛

۲۰ - در مورد جنایت «شکل‌های دیگر خشونت جنسی»، یافته‌ها نشان

می‌دهد که وخامت عمل از جمله در موارد زیر تشدید خواهد شد:

الف عمل در انظار عمومی یا در برابر چشمان دیگران رخ داده یا با استفاده از

امکانات فناوری منتشر شده یا تهدید به انتشار آن وجود دارد؛

(ب) عمل را چندین مرتکب انجام داده‌اند؛

(پ) این عمل بیش از یک بار تکرار شده است؛

(ت) این عمل به همراه خشونت فیزیکی و یا روانی (از جمله از طریق خوار کردن، توهین، تحقیر و یا هرگونه تعرض لفظی دیگر)؛

(ث) این عمل علیه یک کودک یا شخص آسیب‌پذیر دیگری رخ داده است؛

(ج) شخص متاثر از عمل مجبور به مشارکت در اعمالی با ماهیت جنسی با شخصی آشنا به‌ویژه یکی از اعضای خانواده یا شخصی مشابه شده است؛

(چ) این عمل به قصد دریافت اطلاعات یا اقرار، مجازات، تحقیر، ترساندن یا اجبار انجام شده است؛

(ح) این عمل بر اساس تبعیض از هر نوع انجام شده است؛

(خ) این عمل به قصد نابودی کامل یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا دینی انجام شده است؛

(د) این عمل به قصد بی‌جا ساختن یا آزار و تعقیب گروهی انجام شده که شخص متاثر از آن عضو آن گروه بوده؛

(ذ) خانواده، همسر یا جامعه‌ی شخص متاثر از عمل در نتیجه‌ی این عمل او را کنار گذاشته‌اند، از جمله اگر این عمل باعث "غیرقابل ازدواج" شدن شخص در جوامعی بشود که ازدواج در آن‌ها برای پذیرش اجتماعی و یا امنیت اقتصادی ضروری باشد؛

(ر) شخص متاثر از عمل در اثر آن دچار بیماری، بیماری ثانوی، اچ‌آی‌وی یا بیماری جنسی دیگری بشود؛

(ز) شخص متاثر از عمل در نتیجه‌ی آن با پیامدهای بد اقتصادی، از جمله از دست دادن توانایی کسب درآمد یا معیشت روبرو شود؛

(ژ) شخص متاثر از عمل باز دست دادن خودمختاری در تولید مثل یا توانایی تولید مثل روبرو شود، از جمله مثل مواردی که مجبور به باردار کردن، "بچه

آوردن" یا باردار شدن بشود؛ یا در صورتی که این عمل یا حذف آن منجر به نازایی، قطع عادت ماهانه، حامله‌گی، انداختن بچه، سقط‌جنین نالیمن یا ایجاد مشکل در باردار کردن، حامله شدن، زاییدن یا بچه‌دار شدن بشود؛ (س) این عمل توسط مسئولان سازمان ملل یا هر یک از دیگر نقش‌آفرینان امداد انسانی انجام شود؛

(ش) عمل توسط مسئولان دولتی انجام شود یا مورد تایید آن‌ها باشد یا دولت به‌طور ضمنی آن را مجاز بشمارد، از جمله با قصور در تحقیق واقعی یا پیگرد این عمل یا قصور از ارجاع آن به دادگاه صالح؛

(ص) این عمل توسط شخصی معتمد، دارای رابطه‌ی خانوادگی یا رابطه‌ی نزدیک با شخص متاثر انجام شود؛

(ض) شخص متاثر از عمل در نتیجه‌ی آن دچار دشواری در مشارکت در فعالیت جنسی توافقی بشود.

بخش دوم - جنایت‌های دیگری که خشونت جنسی می‌تواند به آن‌ها مربوط باشد

همان‌طور که در مقدمه ذکر شد، منظور از مشخص کردن «شکل‌های دیگر خشونت جنسی» جرم‌انگاشتن رفتاری است که در جنایت‌های خشونت جنسی مشخص شده در اساسنامه‌ی رُم - یعنی جنایت‌های ضد بشریت یا جنایت‌های جنگی تجاوز، برده‌گی جنسی، فحشای قهری، بارداری اجباری و عقیم کردن قهری - درست توصیف نشده است. اعمالی را که پیش‌تر در این طبقه بندی قرار گرفته‌اند نیز می‌توان در نظر گرفت تا تعیین شود که آیا جنایت‌های جنگی و جنایت‌های ضد بشریت دیگری رخ داده‌اند که کلیه‌ی عناصر آن‌ها یا بعضی از این عناصر در اعمال خشونت جنسی وجود داشته است. بنابراین، درک بهتر از اعمال خشونت جنسی می‌تواند به اثبات

جنایت‌های دیگر از جمله جنایت‌های زیر کمک کند (به شرط وجود عناصر مختلف و رعایت عناصر موجود در تعریف):

۱- آپارتاید^{۳۶}

بنا به تعریف اساسنامه‌ی رُم، آپارتاید «یعنی اعمال غیر انسانی [...] که در چارچوب رژیم نهادینه شده‌ی سرکوب و سلطه‌ی نظام‌مند یک گروه نژادی علیه گروه یا گروه‌های نژادی دیگر که به قصد حفظ آن رژیم رخ می‌دهد.» این تعریف به «اعمال غیر انسانی» اشاره دارد که همان‌طور که در بخش اول این سند ذکر شد، شامل اعمال خشونت جنسی می‌شود.

۲- اخراج و یا انتقال اجباری جمعیت^{۳۷}

بنا به تعریف اساسنامه‌ی رُم، اخراج و یا انتقال اجباری جمعیت «یعنی جابه‌جا کردن اجباری افراد مورد نظر از طریق اخراج یا اعمال اجباری دیگر، از منطقه‌ای که قانوناً در آن حضور دارند، بدون هیچ‌گونه دلیلی که حقوق بین الملل مجاز بشمرد.» اعمال خشونت جنسی را می‌توان جزو «اعمال اجباری دیگر» دانست که در این تعریف مورد اشاره قرار گرفته است.

۳- برده‌سازی^{۳۸}

بنا به تعریف اساسنامه‌ی رُم، برده‌سازی «یعنی اعمال هر یک از اختیارات مربوط به حق مالکیت بر یک فرد و یا کلیه‌ی آن اختیارات از جمله به‌کار گرفتن چنین اختیاراتی طی قاچاق افراد، به ویژه زنان و کودکان.» حتی اگر اعمالی با ماهیت جنسی که طی برده‌سازی رخ می‌دهند به احتمال بسیار زیاد مستقلاً جنایت برده‌گی جنسی به شمار بروند، خشونت جنسی نیز

36. Apartheid

37. Deportation or forcible transfer of population

38. Enslavement

می‌تواند به جنایت کلی‌تر برده‌سازی مربوط باشد.

۴- نابودسازی^{۳۹}

بنا به تعریف اساسنامه‌ی رُم، نابودسازی «تحمیل عمدی شرایطی بر زندگی از جمله محرومیت از دسترسی به غذا و دارو است که به شکل حساب شده و به قصد نابودسازی بخشی از جمعیت انجام شود.» این کار می‌تواند خشونت جنسی را دربر داشته باشد.

۵- نسل‌کشی^{۴۰}

بنا به تعریف اساسنامه‌ی رُم، جنایت نسل‌کشی به معنای «قصد نابود کردن کل یا بخشی از گروهی ملی، قومی، نژادی یا دینی» می‌تواند با وارد کردن صدمه‌ی جدی جسمی یا روانی، از جمله از طریق تجاوز و خشونت جنسی، به یک یا چند شخص، رخ دهد. تجاوز و طیف وسیعی از دیگر شکل‌های خشونت جنسی و خیم علیه گروه هدف نیز می‌تواند جزو این "صدمه‌ی جدی جسمی یا روانی" باشد.

۶- هتک حرمت شخصی^{۴۱}

بنا به تعریف «عناصر جرم در دادگاه بین‌المللی جزایی»، هتک حرمت شخصی به این معناست که «مرتکب جرم حرمت یک یا چند شخص را به شدت تحقیر، خوار یا به طریقی دیگر هتک کرده است.» همان طور که پیش‌تر خاطر نشان شد و در «اعلامیه‌ی جامعه‌ی مدنی درباره‌ی خشونت جنسی» مورد تأکید قرار گرفته است، کلیه شکل‌های خشونت جنسی را می‌توان به‌عنوان وسیله‌ای برای تحقیر، یا تعدی به کرامت و خودمختاری

39. Extermination

40. Genocide

41. Outrages upon personal dignity

شخصی دیگر و در نتیجه حرمت آن‌ها به کار گرفت. تایید اینکه اعمال خشونت جنسی رخ داده می‌تواند به تشخیص وقوع جنایت جنگی هتک حرمت شخصی کمک کند.

۷- آزار و تعقیب^{۴۲}

بنا به تعریف اساسنامه‌ی رُم، آزار و تعقیب به‌عنوان جنایت ضد بشریت «یعنی محروم کردن عمدی و شدید یک گروه یا جمعی از حقوق اساسی آن برخلاف موازین حقوق بین‌المللی به دلیل هویت گروه یا جمع.» این کار شامل محروم کردن فیزیکی و روانی از طریق اعمال خشونت جنسی است. این اعمال و چارچوب وقوع آن‌ها می‌تواند اساس رفتار مجرمانه‌ی آزار و تعقیب را تشکیل دهد و بخش مهمی از مدرک اثبات رفتار آزار و تعقیب باشد.

۸- شکنجه^{۴۳}

بنا به تعریف اساسنامه‌ی رُم، شکنجه «یعنی وارد کردن عمدی درد یا صدمه‌ی شدید فیزیکی یا روانی به شخصی در زندان یا تحت کنترل متهم؛ با این استثنا که شکنجه درد یا صدمه‌ی صرفاً ناشی از مجازات‌های قانونی را دربر نمی‌گیرد.» تجاوز اغلب به‌عنوان شکلی از شکنجه توصیف شده است. با وجود این، شکنجه تنها جرمی با ماهیت جنسی نیست که می‌تواند باعث «درد و صدمه‌ی شدید» بشود. بنابراین کلیه اعمالی را که در این رهنمودها فهرست شده - چه برگرفته از رویه‌ی قضایی و چه از «اعلامیه‌ی جامعه‌ی مدنی درباره‌ی خشونت جنسی» - بایستی در ارزیابی جنایت شکنجه در نظر گرفت.

۹- وارد کردن عمدی درد زیاد یا زخم جدی به بدن یا سلامتی^{۴۴}

بنا به تعریف «عناصر جرم در دادگاه بین‌المللی جزایی»، این جرم به این

42. Persecution

43. Torture

44. Wilfully causing great suffering, or serious injury to body or health

ترتیب توصیف می‌شود: «مرتکب جرم درد یا صدمه‌ی شدید فیزیکی یا روانی به بدن یا سلامتی یک یا چند شخص وارد می‌کند. هم‌چون اعمال "غیر انسانی دیگر" و شکنجه یا رفتار غیر انسانی، این جنایت نیز درد و رنج شدید، چه فیزیکی و چه روانی را دربر می‌گیرد. این درد و رنج می‌تواند نتیجه‌ی اعمال خشونت جنسی باشد که در بالا فهرست شد.

اصول اساسی درباره‌ی خشونت جنسی برای ارائه به سیاست‌گذاران

توجه جدی به خشونت جنسی با درک اعمال خشونت جنسی آغاز می‌شود. با گنجاندن این ۱۰ اصل در تدوین و اجرای سیاست‌ها و راهبردهای قانون‌گذاری و رویه‌های حقوقی و قضایی، از خطر نادیده گرفتن یا کوچک شمردن خشونت جنسی در همه‌ی شکل‌های آن می‌توان کاست و به آن‌ها توجه موثرتری نشان داد. این ۱۰ اصل اساسی درباره‌ی خشونت جنسی از اعلامیه‌ی جامعه‌ی مدنی درباره‌ی خشونت جنسی برگرفته شده‌اند.

اصل ۱: هیچ‌نظر جهان‌شمولی درباره‌ی صدمه یا خشونت جنسی وجود ندارد؛

اصل ۲: خشونت جنسی اعمال یگانه، چندگانه، ادامه‌دار یا متناوب را دربر می‌گیرد که قربانی، مرتکب جرم و یا جامعه‌ی محلی آن‌ها دارای ماهیت جنسی تلقی می‌کنند. خشونت جنسی اعمالی را دربر می‌گیرد که به زور یا علیه شخصی رخ می‌دهند که ناتوان یا بی‌میل به ابراز رضایت واقعی، داوطلبانه، مشخص و ادامه‌دار است.

اصل ۳: عملی می‌تواند جنسی باشد حتی اگر تماس فیزیکی وجود نداشته باشد؛

اصل ۴: عملی می‌تواند دارای ماهیت جنسی باشد حتی اگر به قصد ایجاد ارضای جنسی انجام نشود یا ارضا ایجاد نکند؛

اصل ۵: اعمال خشونت ریشه‌ی عمیقی در هر جامعه‌ای دارند و ممکن است در هر زمان و هر محیطی، از جمله در چارچوب ازدواج، خانواده یا رابطه‌ای نزدیک رخ بدهند؛

اصل ۶: اعمال خشونت جنسی می‌تواند به وسیله‌ی شخصی یا علیه هر شخصی صرف‌نظر از سن، جنس و جنسیت رخ دهد؛

اصل ۷: در مفهوم کلی، "خشونت جنسی" کلیه‌ی موارد نقض خودمختاری جنسی و کرامت جنسی را دربر می‌گیرد؛

اصل ۸: ماهیت جنسی و وخامت یک عمل بعضاً بر اساس عوامل فردی، از جمله هویت، توانایی، سن، نژاد و جنسِ بازمانده و مرتکب جرم و نیز عوامل اجتماعی از جمله فرهنگ، دین، پیشینه‌های تاریخی، منشاء طبیعی مکانی و دیگر وجوه مشترک تعیین می‌شود؛

اصل ۹: تاثیر خشونت جنسی را نه‌تنها افراد بلکه خانواده‌ها، جامعه و اجتماع محلی حس می‌کنند و این حس می‌تواند چندین نسل تداوم یابد؛

اصل ۱۰: متخصصان در صورتی که برای درک تجربه‌ی زندگی بازمانده‌گان و درک شرایط وقوع یک عمل اقدام کنند، از امکان بهتری برای تعیین جنسی بودن و ارزیابی وخامت چنین اعمالی برخوردار خواهند بود.

Politis Asia 22

The Hague Principles on Sexual Violence

Women's Initiative for Gender Justice (WIGJ)

**This book is published on the occasion of 8th March,
International Women's Rights Day.**

Translator (Persian version): Khalil Rostamkhani

Cover design & Layout: Rooholamin Amini

Editors: Guissou Jahangiri & Khalil Rostamkhani

Publisher: Armanshahr

First edition: 2020

Print-run: 1,000 copies

All rights reserved for the publisher.

This publication has been produced with the financial assistance of ICAN. The responsibility for the publishing of this publication lies with Armanshahr Foundation and for the contents with the writer(s).